

پژوهش و حوزه

محمد رضا وحیدی صدر

فهرست

۱.....	پژوهش و روش تحقیق.....
۴.....	بخش اول.....
۳۰.....	مسئله_بابی.....
۳۰.....	بخش دوم.....
۳۰.....	نوشتن.....
۳۱.....	بخش سوم.....
۳۱.....	ویژگی‌های یک نوشته خوب.....
۳۱.....	الف. سادگی و کوتاهی جملات:.....
۳۲.....	ب. درست‌نویسی.....
۳۲.....	ج. برخورداری از پیام و هدف روش:.....
۳۲.....	د. پرمحتوایی و کم‌حجمی:.....

۳۲	هـ. فصاحت و بلاغت:
۳۲	و. خلاقیت و نوآوری:
۳۳	بخش چهارم
۳۳	انواع تحقیق
۳۳	۱. بنیادی و کاربردی
۳۳	۲. میدانی و اسنادی (کتابخانه‌ای)
۳۳	۳. درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای
۳۳	۴. متن‌پژوهی، موضوع‌پژوهی یا مسئله‌پژوهی
۳۳	۵. تحقیق معناسناختی و تحقیق پدیده‌شناختی
۳۴	۶. تحقیق توصیفی، تحقیق انتقادی و تحقیق تبیینی
۳۴	بخش پنجم
۳۴	مراحل مهم پژوهش
۳۴	۱. مسئله‌یابی، فرضیه و طرح تحقیق
۳۴	۲. انتخاب روش تحقیق
۳۴	۳. گردآوری مواد پژوهش و منابع تحقیق
۳۵	۴. تنظیم مطالب و نتیجه‌گیری
۳۵	بخش ششم
۳۵	مسئله تحقیق
۳۵	عناصر مهم در مسئله‌یابی
۳۶	تبارشناسی مسئله
۳۶	بخش هفتم
۳۶	اقسام مسئله
۳۶	طرح مسئله
۳۷	بخش هشتم
۳۸	خطاهای احتمالی به هنگام انتخاب مسئله
۳۸	بخش نهم
۳۹	ویژگیهای مسئله تحقیق
۳۹	بخش دهم
۴۰	فرایند کلی یک مسئله
۴۰	بخش یازدهم
۴۱	ویژگیهای مسئله تحقیق

۴۱	۱. محدود و مشخص بودن
۴۱	۲. تازه بودن
۴۱	۳. مورد علاقه بودن
۴۱	۴. هماهنگ با توانایی‌های محقق
۴۱	۵. ساختار مناسب داشتن
۴۲	بخش دوازدهم
۴۳	مراحل_نگارش
۴۳	بخش سیزدهم
۴۳	مزیت‌های_تهیه_طرح_تحقیق
۴۵	بخش چهاردهم
۴۶	نقش_طرح_تحقیق_در_فرایند_پژوهش
۴۷	بخش پانزدهم
۴۷	ارکان_طرح_تحقیق
۴۷	راهنمای_تهیه_گزارش_تحقیق
۴۷	بخش شانزدهم
۴۸	مراحل_عملی_تحقیق
۴۸	مرحله اول: مقدمه و بیان_مسئله و سایر موارد
۴۸	مرحله دوم: روش_اجرای_تحقیق
۴۹	۱. آزمودنی‌ها
۴۹	۲. طرح_پژوهشی
۴۹	۳. ابزار_اندازه‌گیری
۴۹	۴. روش_جمع‌آوری_اطلاعات
۴۹	مرحله سوم: بحث_و_نتایج
۵۱	۱. یافته‌های_پژوهش
۵۱	۲. بحث_درباره_یافته‌ها
۵۱	۳. محدودیت‌ها
۵۱	۴. پیشنهادهای و کاربردها
۵۱	مرحله چهارم: خلاصه و نتیجه‌گیری
۵۱	۱. منابع
۵۱	۲. ضمایم
۵۲	بخش هفدهم

۵۲.....	اجزای اصلی یک گزارش تحقیق.....
۵۲.....	بخش هجدهم.....
۵۲.....	مراحل تحقیق در پایان نامه نویسی.....
۵۲.....	اول) مراحل عمومی تحقیق.....
۵۷.....	دوم) مراحل اختصاصی تحقیق.....

مبحث اول

درآمد

تحقیق و پژوهش دینی یکی از اساسی ترین وظایف حوزه های علمیه در کنار تعلیم و تبلیغ دین به شمار می رود. منطق اسلام تفکر تدبر و تفقه در آموزه هایی است که اسلام برای سعادت بشر طراحی کرده و هرگز نخواسته است انسان ها از سر اضطراب ترس تعبد و یا دانش سطحی به آن تن دهند. طبیعی است بدون تحقیق و پژوهش و شناخت عمیق، معارف دین تبلیغ و ترویج به ویژه پیاده کردن دین میسر نمی باشد و اگر در بخش هایی میسر باشد قطعاً اهداف مورد نظر حق تعالی را تامین نخواهد کرد.

تحقیق "ژرف اندیشی"، "فهم عمیق" و "بصیرت" است که وقتی در حوزه دین تحقق یافت، ابعاد معارف دینی برای انسان پژوهشگر، شکوفا، افق های تازه آن پیدا می شود.

محقق دینی با تلاش پی گیر و کاوش عمیق خود در جستجوی افق ها و نکات تازه و کشف نشده می باشد تا از این راه در پیشبرد علم و دانش دینی و غنابخشی به آن نقش ایفا نماید. با این توصیف اطلاق پژوهشگر بر هر کسی که تنها به تکرار مطالب و مباحث دیگران می پردازد و یا ترجمه و تفسیر آنها را محور کار خویش قرار می دهد، صحیح نمی باشد.

نگاهی اجمالی به تاریخ گذشته اسلام و تشیع نام بسیاری از عالمان ژرف اندیش محققان بنام و پژوهشگران سترگ را پیش رو می گذارد که با مجاهدت تمام که عمدتاً در شرایطی بس ناگوار انجام گرفته است، میراث گرانبهایی را از خود به یادگار گذاشته اند. تداوم حوزه های علمیه مدیون این کوشش ها است. ظهور انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، افق روشن تر و زمینه های گسترده تری برای تحقیق و پژوهش دینی در حوزه های علمیه پدید آورده و به آن جان و رونق تازه بخشیده است. اینک برخلاف گذشته ای نه چندان دور که امکان پژوهش های دینی به حداقل رسیده بود، حوزه های علمیه شاهد ده ها پژوهشگر و موسسه علمی با صدها پژوهشگر جوان و پرنشاط و هزاران عنوان کتاب، نشریه و برنامه های نرم افزاری است و آینده ای امیدبخشی

را در زمینه پژوهش های دینی نوید می دهد.

در این روزگار ما یک حوزوی اندیشمند، عقاید و افکار دیگران را به صورت عمیق بررسی کرده و با دیدگاه های متفاوت، برخورد مثبت و فعالی دارد.

۴

محققین حوزه محورهای اصلی و فرعی پژوهش را بررسی می کنند؛ روش گرد آوری داده های لازم و ویژگی های اساسی آنها را مطالعه می کنند و سازگاری داده ها با نتایج ادعا شده را با دقت، احراز می کنند.

یکی از عناصر اصلی تفکر انتقادی در میان حوزویان، تحلیل اندیشه هایی است که با آنها روبه رو هستند، آنها افکار پیچیده را به اجزای سازنده تجزیه و کیفیت ارتباط، استحکام یا ضعف آن، و یا اساسا عدم ارتباط آنها با یکدیگر را روشن می کنند. آنها میزان هم خوانی یا ناهم خوانی یک اثر یا نتیجه، با شواهد مربوط به آن، و ابعاد مثبت و منفی آن را نیز کند و کاو می کنند. توجه همه جانبه و آینده نگر، آنها را به ابعادی از اندیشه ها و تصمیم گیری ها متوجه می کند. آنها به منظور تقویت مهارت های تفکر انتقادی، از روش های زیر استفاده می کنند:

۱- قبل از هر گونه تصمیم یا اقدامی، فرصت تفکر را برای خود فراهم می کنند.

۲- مانع کنجکاوی خود نیستند و در عین حال، تلاش می کنند پرسش های خوبی را مطرح کنند.

۳- جوانب مختلف موضوع را برای خودشان روشن می کنند.

۴- از روابط درونی میان اجزای یک موضوع و نیز مسائل بیرونی مرتبط با آن، غفلت نمی کنند.

۵- به لحاظ ذهنی و عقلی، دقیق بوده و نکات مبهم یا متناقض را مشخص می کنند.

۶- افکار، فرضیه ها و احتمالات دیگر را مورد توجه قرار می دهند.

۷- آنها به خلاقیت و نوآوری اهتمام دارند.

پایه رشد علمی حوزویان خلاقیت و نوآوری است. این خصلت ناشی از انگیزه پیشرفت، اعتماد به نفس،

کنجکاوی و علاقه مندی به کار، نوآوری، توانایی دست کشیدن از یک قاعده و چارچوب ذهنی، خطر پذیری

است. اکثر تحصیل کردگان حوزه سعی می کنند از کارشان، ارزیابی دقیق، عینی و واقع بینانه داشته باشند.

الف- تاریخچه پژوهش در حوزه

۱- علما در آغاز فقط به گردآوری احادیث و فراگیری علوم نقلی می پرداختند. این علوم بیشتر در شهرهای

کوفه و قم آموزش داده می شد. شیخ کلینی (متوفی ۳۲۳ یا ۳۲۳ق) در این دوره می زیست. شیخ

صدوق (۳۳۱-۳۰۵ق) که معاصر با دوران زوال عباسیان و به قدرت رسیدن آل بویه بود، در آثار خود به

مسائل حکومتی همچون جهاد و وظایف رهبران شیعه پژوهش کرد.

۵

۲- از عصر شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶ق) و مرکزیت یافتن بغداد، پژوهش در علوم عقلی رواج یافت. سید مرتضی علم الهدی (۴۱۳-۳۵۵ق) و سید رضی و شیخ طوسی از بزرگان علما در این دوره هستند. شیخ طوسی با مهاجرت خود از بغداد به نجف در سال ۴۴۳ قمری که پس از افول قدرت آل بویه و روی کار آمدن سلجوقیان اتفاق افتاد، با توجه به محدودیت هایی که برای ایشان فراهم آمد، نجف را مرکز علوم شیعی قرار داد. ابن الجوزی در ضمن وقایع سال ۴۴۳ قمری می نویسد: در این سال اهل سنت به خانه ابو جعفر طوسی در کرخ حمله کردند و کتابها و دفاتر او و میزی که هنگام تدریس بر بالای آن می نشست و سه منجیق را که زوار محله کرخ از قدیم چون به زیارت امیر المومنین علی (ع) می رفتند، با خود حمل می کردند، سوزاند.^۱

۳- در عصر آل بویه علمای شیعه با توجه به برخورداری از پشتیبانی آنها پژوهش های خود را به حوزه های دیگر علوم نیز توسعه دادند.

۴- از قرن پنجم پژوهش های مبتنی بر اجتهاد اهمیت جدی تری یافت و باز بودن باب اجتهاد مورد حمایت متفکرین شیعی قرار گرفت. آنها سعی کردند مبانی فقه اجتهادی را تبیین کنند. شیخ الطائفه طوسی (۳۳۵-۴۶۰ق) و فرزندش ابو علی حسن بن محمد طوسی، سلار، ابو صلاح حلبی (۴۴۷-۳۷۴ق) از پیشگامان این جریان بودند. آنها در احیای مبانی فقه جعفری تلاش فراوان کردند و در پاسخ به شبهات کلامی مخالفین خود کتابهای کلامی ارزشمندی را به رشته تحریر در آوردند.

در این دوره برای اثبات حقانیت مکتب اهل بیت هزاران رساله و کتاب نوشته شد و تفسیر قرآن بر اساس روایات اهل بیت تدوین گردید و اخلاق ائمه علیهم السلام و سیره آنها توسط علما نشر یافت و حکمای شیعه به بحث و نظر در همه حوزه های فلسفه پرداختند و عرفای شیعه مبانی عرفانی سخنان معصومین را استخراج کرده و در سیر و سلوک خود از آنها استفاده بردند.

۵- در دوره مغول علیرغم انحطاط بیشتر علوم، خواجه نصیر الدین طوسی (۶۵۶-۵۳۷ق) هلاکوخان را همراهی

^۱ -به نقل علی اصغر فقیهی: آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، تهران، صبا ۱۷۳۱ ج. ۴۳۴ / ۱

۶

کرد و در کنار علوم دینی به کند و کاو در علوم عقلی، ریاضی و تجربی روی آورد و فلسفه شیعی را احیای نمود. شارح اندیشه های کلامی او، علامه حلی (۷۲۳-۶۴۳ق) توانست اولجایتو را با مکتب تشیع آشنا کند و با شرح خود بر تجرید العقاید خواجه نصیر الدین طوسی، یکی از ماندگارترین آثار کلامی را در حمایت از

مکتب اهل بیت نوشت.

از نظریات مهم سیاسی علامه حلی بحث پیرامون قیام امام حسین و صدور جواز صلح است. او در مبحث هدنه یا مهاده (آتش بس و صلح) در دو کتاب منتهی المطلب و تذکره الفقها به حرکت امام حسین (ع) اشاره کرده است.

۶- در دوره تیموریان در کنار علوم رایج دینی به علوم عقلی و عرفان توجه بیشتری شد. سید حیدر آملی (۷۳۴-۷۲۰هـ ق) از بزرگان این دوره در کتاب جامع الاسرار کوشید تا رابطه میان عرفان و تشیع را تبیین کند. نیازی که در عصر او به شدت مطرح بود. او در اول کتاب اشاره می کند که میان فرق اسلامی، هیچ فرقه ای نیست که به اندازه شیعه اثنا عشری، عرفا را رد کند. این در حالی است که ریشه هر دو یکی است چون ریشه عرفا یا به کمیل می رسد که شاگرد خاص امام علی است یا به امام صادق می رسد که او نیز امام شیعه است.^۲

۷- از زمان صفویان (۱۱۳۵-۳۰۷هـ) که تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران برگزیده شد، نظام های فرهنگی شیعه به دست عالمان دین رونق یافت. هر چند این امر و تنظیم روابط حقوقی جامعه شیعی مانع ظهور جنبه های باطنی تشیع گردید، و بر ظهور جنبه های صوری آن بیشتر پافشاری گردید، در عین حال شکلی از رهبری بوجود آمد و علما به عنوان وارثان پیشوایان معصوم توانستند عهده دار وظایف قضایی و داوری میان مردم شوند.

علمایی چون محقق کرکی، مقدس اردبیلی (م ۳۳۳هـ) شیخ بهایی، میر داماد و علامه مجلسی از عوامل موثر نظام حکومتی بودند. فقه سیاسی شیعه در این دوره به بحث های جدی کشانده شد. قبول ولایت دینی و مقام

^۲
-سید حیدر آملی، جامع الاسرار/۷

شیخ الاسلامی حکومت صفوی از سوی محقق کرکی، اعتراضات علمایی چون فاضل قطفی را برانگیخت و حاصل آن کتاب کلمات المحققین بود که دفاعیات کرکی را در خود جمع کرده است.

۳- رواج تفکر اخباری از پویایی حوزه های علمیه کاست و به جای آن نوعی جمود فکری و تحجر مذهبی را حاکم گردانید. آنها حوزه فعالیت خود را به عراق، بحرین تا هند و ایران کشانند. پس از بر افتادن صفویان علما به عتبات مهاجرت کردند و در انجا اخباری گری حالت تهاجمی به خود گرفت و به اصولی ها یورش آوردند و رقبای خود را از میدان بدر کردند. وضع تا ظهور آقا محمد باقر بهبهانی (۱۲۰۳-۱۱۱۷هـ) ادامه یافت ولی او به نفوذ علمای اخباری خاتمه داد و تفکر مبتنی بر عقل و استدلال شیعه بار دیگر احیا شد.

۳- از دوره قاجار حوادث سرنوشت سازی در ایران به ظهور رسید که ناشی از دخالت کشورهای اروپایی بود و در کنار آن فرقه های جدیدی پدید آمد. که عموماً مورد حمایت این کشورها قرار داشتند. علما به جهان سیاست وارد شدند. آنها از سر درگمی پس از سقوط صفویان در آمدند و نقش موثری را در جریان سیاست و فرهنگ و اقتصاد جامعه به عهده گرفتند. آنها علاوه بر عهده داری منصب استخراج، استنباط و انطباق احکام با موضوعات خارجی به کار قضا پرداختند. شیخ مرتضی انصاری تراز فکر و عمل را از کتاب و سنت معصومان گرفت.

۱۰- در دوره مشروطه با ظهور فرقه های سیاسی و طرح فلسفه های رایج در غرب، علما بیشتر به تامل در مقتضیات زمان و مکان دعوت شدند. تنبیه الامه و تنزیه المله فی لزوم مشروطیه الدوله المنتخبه لتقلیل الظلم علی افراد الامه و ترقیه المجتمع آیت الله نایینی محصول برجسته این دوره است.

۱۱- نظریه ولایت فقیه که پیشینه دیرین در فقه شیعه دارد و در سده های اخیر مقدس اردبیلی، کاشف العطاء، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵- ۱۱۳۵هـ) شیخ مرتضی انصاری (۱۲۳۱- ۱۲۱۴هـ) از طراحان آن به شمار می روند.

از سوی امام خمینی به عنوان یک نظریه در آثاری مستقلی پروراندند شد و در عمل جریان پرهیز از شرکت در حکومت های جور، با تلاش ایشان به تاسیس حکومت عدل اسلامی در سال ۱۳۵۷ش انجامید. در این دوره نکات ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۸

۱- اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی حوزه ها

۲- تخصصی شدن علوم.

۳- آسیب زدایی از اجتهاد

۴- جنبش نرم افزاری و تولید علم

۵- پایه گذاری روش رئالیسم از سوی علامه طباطبایی

۶- بازگشت به منطق استقراء از سوی شهید صدر

۷- احیای علوم عقلی از سوی امام خمینی و علامه طباطبایی و شاگردان آنها استاد شهید مرتضی مطهری، آیت الله

جوادی آملی، آیت الله مصباح، علامه حسن زاده آملی

۳- رواج تاریخ نگاری با تاکید به مطالعات اسنادی، خاطره نویسی، ترجمه نگاری، انساب، سفرنامه

۱۲- بطور کلی علما برای حفظ اخبار و احادیث و میراث فرهنگی و معنوی اسلام از راه تحقیق و پژوهش و

سفرهای پژوهشی، و تاسیس نهادها علمی مثل مدارس و کتابخانه ها تاسیس شهرهای دانشگاهی مثل نجف،

قم، ری، بصره، کوفه و مشهد، اشاعه اخلاقیات و ارزشهای والا و معارضه با عادات ناپسند و ترویج علوم و

دانش ها بویژه علوم دین و اخلاق علمی، مبارزه با کفر و الحاد و شرک و بدعت و مبارزه با مکتب های الحادی و فرقه های بدعت گرا و مبارزه با نفوذ بیگانگان، در خدمت مکتب اهل بیت قرار گرفته اند. آنها را می توان حافظان راستین قرآن و پیام عاشورا و سنت های عاشورایی، عوامل اصلی خرافه زدایی از اندیشه های اسلامی و اسباب حیات و حریت و حرکت جامعه شیعی و بلکه اسلامی دانست.

آنها عاشقانه راه ولایت را طی کرد و قرنها بر آن پافشاری کرده و در این راه تا مرز شهادت پیش رفته اند. چه کسی می تواند خدمات بزرگانی چون شهید اول و ثانی، ملا محمد تقی برغانی (۱۲۶۳-۱۱۷۲ق) ملا فیض کاشانی، میر داماد، علامه مجلسی و ملاصدرا، شهید عبدالله شوشتری و قاضی نور الله شوشتری (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) سید عبدالله بهبهانی و مجاهدت های علمی و سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی (م ۱۳۱۴ق) آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ مرتضی انصاری، میرزا محمد حسن آشتیانی، میرزا محمد حسن شیرازی (۱۳۱۲-۱۲۳۰ق) سید یونس اردبیلی (۱۳۷۷-۱۲۳۳ق) شیخ محمد تقی بافقی (۱۳۲۵-۱۲۳۲ق) و

۹

هزاران چهره شناخته شده و ناشناخته شیعه در همه کشورهای شیعه نشین اعم از ایران و افغانستان، عراق، لبنان، بحرین و شبهه قاره هند و آسیای صغیر و مصر و سرزمینهای دیگر را از یاد ببرد.

علمای شیعه با نوشتن آثاری چون رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، الفهرست ابن ندیم، معالم العلماء این شهر آشوب، الفهرست منتخب الدین، مجالس المومنین قاضی نور الله شوشتری (شهادت ۱۰۲۳ هـ ق)، طبقات علماء الامامیه سید علی خان شیرازی (م ۱۱۲۰ هـ ق) مستدرک الوسائل میرزا حسین نوری، روضات الجنات محمد باقر چهار سوقی اصفهانی، طبقات اعلام الشیعه آقا بزرگ تهرانی، الذریعه آقا بزرگ تهرانی، مکارم الآثار معلم حبیب آبادی تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام سید حسن صدر، تاریخ دانشوران و تاریخ علم را در میان شیعه حفظ کردند.

ب-- رویکردهای پژوهشی در حوزه

۱- اخلاق و عرفان عملی

- ۱- ابو نصر فارابی ۳۲۳- تنبیه السبیل السعاده
- ۲- ابن مسکویه رازی ۴۲۱- تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق
- ۳- خواجه نصیر الدین طوسی ۶۷۲- اخلاق ناصری
- ۴- حسین کاشفی سبزواری ۳۱۰- اخلاق محسنی
- ۵- مولی محسن فیض کاشانی ۱۰۳۱- المحججه البیضا فی التهذیب الاحیا

۶- مولی مهدی نراقی ۱۲۰۳-جامع السعادات

۷- مولی محمد حسن قزوینی ۱۲۴۰

۳- مولی احمد نراقی ۱۲۴۵

۳- آخوند مولی حسین قلی همدانی ۱۳۱۱

۱۰- شیخ باقر بهاری همدانی ۱۳۳۳

۱۱- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ۱۳۴۲

۱۲- سید روح الله خمینی ۱۴۰۳

۱۰

۱۳- میرزا جواد آقا تهرانی ۱۴۱۰

۲- عرفان نظری

۱- سعد الدین محمود ابن عبد الکریم بن یحیی شبستری ۷۲۰

۲- کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ۷۳۵

۳- سید حیدر آملی ۷۳۳

۴- میر سید علی همدانی ۷۳۶

۵- فضل الله استرآبادی ۳۳۶-جاویدان کویر

۶- شیخ حافظ برسی - پس از ۳۱۳

۷- عماد الدین نسیمی ۳۲۰

۳- شاه نعمت الله ولی ۳۳۴

۳- محمد ابن فلاح ۳۶۶

۱۰- محمد ابن عبدالله نور بخش ۳۶۳

۱۱- کمال الدین حسین ابن علی کاشفی واعظ ۳۱۰

۱۲- سید قطب الدین نیریزی ۱۱۷۳

۱۳- آقا محمد بیدآبادی ۱۱۳۳

۱۴- سید محمد مهدی بحر العلوم ۱۲۱۲

۱۵- آقا محمد رضا قمشه ای ۱۳۰۶

۱۶- آخوند ملا حسین قلی همدانی ۱۳۱۱

۱۷- محمد بهاری همدانی ۱۳۲۵

۱۳- میرزا هاشم اشکوری گیلانی ۱۳۳۲

۱۳- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی - ۱۳۴۲ اسرار الصلاة، رساله لقا الله، المراقبات

۲۰- سید میرزا علی آقا قاضی طباطبایی ۱۳۶۶

۱۱

۲۱- محمد علی شاه آبادی ۱۳۶۳

۲۲- سید روح الله خمینی ۱۴۰۳- شرح دعای سحر، حاشیه مصباح انس، تعلیقات علی شرح فصوص

الحکم

۳- حکمت

۱- محمد زکریای رازی ۳۱۳- العلم الالهی، السیره الفلسفیه

۲- ابو زید بلخی ۳۲۲- الابانه عن علل الدیانه، الامداد الاقصى

۳- ابونصر فارابی ۳۲۳- اغراض مابعد الطبعه، احصاء العلوم

۴- ابن سینا ۴۲۳- الاشاره التنبیهات، الحکمه المشرقیه

۵- خواجه نصیر الدین طوسی ۶۷۲- شرح الاشارات

۶- کاتب قزوینی - ۶۷۵ ترجمه رساله هرمسی

۷- قطب الدین رازی ۷۶۶- المحاکمات

۳- امیر شمس الدین محمد ابن سید شرف جرجانی ۳۱۶- التعاریف، الانسان الکامل فی معرفه الاواخر

ولاولائل، نفحات الانس

۳- صدر الدین دشتکی شیرازی ۳۰۳- شرح تجرید

۱۰- جلال الدین محمد بن اسعد دوانی ۳۰۷- رساله فی الحکمه

۱۱- شمس الدین لاهیجی ۳۱۲- شرح هیاکل النور

۱۲- غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی ۳۴۳- شرح الهیات شفا

۱۳- شمس الدین محمد خفزی ۳۵۷

۱۴- میر محمد باقر داماد ۱۰۴۰- قبسات

۱۵- میر ابو القاسم فندرسکی ۱۰۵۰- مقدمه الحركه

۱۶- ملا صدرا ۱۰۵۰- اسفار اربعه، الشواهد الربویه

۱۷- ملا عبدالرزاق لاهیجی ۱۰۷۲- شوارق الالهام، گوهر مراد

۱۲

۱۳- ملا رجب علی تبریزی ۱۰۳۰

۱۳- میرزا رفیعا ۱۰۳۲- تعلیقات بر اشارات

۲۰- ملا محمد باقر سبزواری ۱۰۳۰- تفسیر الهیات شفا

۲۱- ملا محمد محسن فیض کاشانی ۱۰۳۱- تفسیر اشارات کلمات مکنونه

۲۲- آقا حسین خوانساری ۱۰۳۳- شرح اشارات شفا

۲۳- قاضی سعید قمی ۱۱۰۳- حاشیه بر اثولوجیه

۲۴- شیخ حسین تنکابنی ۱۱۰۵- مرآه العقول

۲۵- ملا اسماعیل مازندرانی خواجهائی ۱۱۷۳- المبدأ المعاد

۲۶- آقا محمد بیدآبادی ۱۱۳۳- رساله تحفه الحکیم

۲۷- ابو القاسم خاتون آبادی ۱۲۰۳

۲۳- ملا مهدی نراقی ۱۲۰۳- قره العیون

۲۳- آخوند ملا علی نوری ۱۲۴۶

۳۰- ملا عبدالله مدرس زنوزی ۱۲۵۷- لمعات اللهیة

۳۱- ملا اسماعیل اصفهانی ۱۲۷۷- شرح تجرید الاعتقاد

۳۲- حاج ملا هادی سبزواری ۱۲۳۳- شرح منظومه

۳۳- محمد رضا قمشه ای ۱۳۰۶- حکمت الهی

۳۴- علی ابن عبدالله زنوزی ۱۳۰۷- بدایه الحکمه

۳۵- سید جمال الدین اسدآبادی ۱۳۱۴

۳۶- حسن علی راشد ۱۳۶۲

۳۷- میرزا مهدی آشتیانی ۱۳۷۲

۳۳- سید محمد کاظم عصار ۱۳۳۶

۳۳- مرتضی مطهری ۱۳۳۳

۱۳

۴۰- محمد حسین طباطبایی ۱۴۰۲- نهاییه الحکمه

۴۱- سید روح الله خمینی ۱۴۰۳- حاشیه بر اسفار

۴۲- عبد الجواد فلاطوری ۱۴۱۶

۴۳- محمد تقی جعفری ۱۴۱۳

۴۴- سید جلال الدین آشتیانی ۱۴۲۶

۴- کلام

۱- یونس ابن عبدالرحمن قمی ۲۰۳

۲- ابو علی دیان بن ملت اشعری قمی، بعد از ۲۲۰

۳- ابو جعفر اسکافی ۲۴۰

۴- علی اسواری ۲۴۰

۵- فضل بن شاذان نیشابوری ۲۶۰- الايضاح، اثبات الرجحه

۶- ابو جعفر محمد بن حسن صفار قمی ۲۳۰- بصائر الدرجات

۷- ابو منصور محمد بن مسعود سلمی سمرقندی معروف به فاشی ۳۲۰

۳- ابو حاتم رازی ۳۲۲- اعلام النبوه

۳- محمد بن یعقوب کلینی ۳۲۳

۱۰- الابانه عن اختلاف الناس بالامامه

۱۱- عبید الله بن احمد الباری شیعی ۳۵۶

۱۲- محمد بن یوسف عامری ۳۳۱- الامه علی الاید

۱۳- شیخ صدوق ۳۳۱- توحید، اعتقادات

۱۴- صاحب بن عباد ۳۳۵- لابانه عن مذهب اهل العدل بحجج الوتان و العقل

۱۵- ابن مسکویه رازی ۴۲۱

۱۶- ابو مسلم محمد بن علی اصفهانی ۴۵۳- الارشاد فی اصول الاعتقاد

۱۴

۱۷- ابو جعفر بن حسن بن علی شیخ طوسی ۴۶۰- اثبات الواجب

۱۳- محمد بن علی بن احمد فتال نیشابوری ۵۰۳

۱۳- ابو الحسین سعید بن هبه الله بن حسن قطب راوندی ۵۷۳

۲۰- خواجه نصیر الدین طوسی - ۶۷۲ تجرید الاعتقاد، نقد المحصل

- ۲۱- بابا افضل الدين محمد بن حسن مرقى كاشانى ۷۰۷
- ۲۲- كمال الدين عبدالرزاق كاشانى ۷۳۰ يا ۷۳۵
- ۲۳- قاضى عضد الدين ايجى ۷۵۶-المواقف شرح مختصر
- ۲۴- سيد شريف جرجانى ۳۱۶-حكمت العين، شرح مواقف
- ۲۵- صائن الدين على بن داود بن سليمان تركه اصفهانى ۳۳۵
- ۲۶- سيد نظام الدين محمد شاه داعى شيرازى ۳۶۳
- ۲۷- صدر الدين محمد شيرازى دشتكى ۳۰۳
- ۲۳- جلال الدين محمد بن اسعد دوانى ۳۰۷
- ۲۳- حسين بن على واعظ كاشفى ۳۱۰
- ۳۰- امير فخرالدين محمد بن حسين سماك حسيني استرآبادى ۳۳۴
- ۳۱- احمد بن محمد مقدس اردبيلى ۳۳۳
- ۳۲- قاضى نور الله شوشترى ۱۰۱۳-احقاق الحق
- ۳۳- محمد امين بن محمد شريف استرآبادى اخبارى ۱۰۳۶
- ۳۴- سيد محمد باقر بن محمد حسيني مير داماد استرآبادى ۱۰۴۰-اثبات الولاية الخاصة
- ۳۵- شمس الدين محمد ملا شمس گيلانى ۱۰۵۰-اثبات حدوث العالم
- ۳۶- محمد بن محسن بن مرتضى فيض كاشانى ۱۰۳۱-اصول الدين
- ۳۷- آقا حسين خوانسارى ۱۰۳۳
- ۳۳- محمد سعيد بن محمد مفيد قاضى سعيد قمى ۱۱۰۳
- ۱۵
- ۳۳- محمد باقر مجلسى ۱۱۱۰
- ۴۰- جمال الدين محمد بن حسين بن جمال الدين محمد خوانسارى ۱۱۳۱
- ۴۱- محمد اسماعيل مازندرانى خواجهوى ۱۱۷۳
- ۴۲- محمد على ابن ابى طالب حزين لاهيجى ۱۱۳۱
- ۴۳- محمد مهدى ابوذر نراقى ۱۲۰۳
- ۴۴- سيد محمد مهدى بحر العلوم طباطبايى بروجردى ۱۲۱۲-ابطال مذهب اليهود و المباحثه متهم
- ۴۵- ملا احمد نراقى ۱۲۴۵

۴۶- سید جعفر بن اسحاق دارابی بروجردی کشفی ۱۲۶۷- اجابه المظفر فی بیان الاصول و فروع الدین

۴۷- حاج ملا هادی سبزواری ۱۲۳۳

۴۳- نظر علی بن سلطان محمد طالقانی خراسانی ۱۳۰۶

۴۳- شیخ محمد تقی بن محمد بن حسین مامقانی تبریزی ۱۳۱۲

۵۰- سید جمال الدین اسدآبادی ۱۳۱۵

۵۱- مهدی غروی اصفهانی ۱۳۶۵- ابواب الهدی

۵۲- شیخ علی اکبر نهاوندی ۱۳۶۳

۵۳- علامه هبه الدین محمد علی شهرستانی ۱۳۳۷

۵۴- مرتضی مطهری ۱۳۳۳

۵۵- سید محمد حسین حسینی تهرانی ۱۴۱۶

۵- فقه اصول

۱- محمد بن حسن صفار قمی ۲۳۰- الجهاد

۲- محمد بن یعقوب کلینی رازی ۳۲۳

۳- علی بن بابویه قمی ۳۲۳- الشرایع

۱۶

۴- ابن جنید اسکافی ۳۳۱- تهذیب الشیعه لاحکام الشریعه صدوق ۳۳۱- الشرایع

۵- سلار دیلمی ۴۶۳- المراسم العلویه و الاحکام النبویه

۶- شیخ طوسی ۴۶۰- المبسوط، الخلاف

۷- ابو علی فضل بن حسن طبرسی ۵۴۳- المنتخب فی مسائل الخلاف

۳- قطب الدین راوندی ۵۷۳

۳- فاضل مقداد ۳۲۶

۱۰- مقدس اردبیلی ۳۳۳- مجمع الفوائد و البرهان، الخراجیه

۱۱- ابو محمد بسطامی زنده در ۱۰۱۱

۱۲- ملا عبدالله شوشتری ۱۰۲۱- جامع الفوائد

۱۳- میرزا محمد استرآبادی ۱۰۲۳

۱۴- محمد امین استرآبادی ۱۰۳۶- الفوائد المدنیه

- ۱۵- میرداماد ۱۰۴۰- رساله فی الصلوه الجمعه، شارع النجاه
- ۱۶- علی نقی کمره ای ۱۰۶۰- الولایه و القضاء
- ۱۷- سلطان العلما مرعشی ۱۰۶۴- حاشیه روضه البیه
- ۱۳- محمد تقی مجلسی ۱۰۷۰- رساله در حرمت نماز جمعه در عصر غیبت
- ۱۳- رفیع الدین طباطبایی ۱۰۳۲
- ۲۰- محمد باقر سبزواری ۱۰۳۰- کفایه الفقیه، ذخیره المعاد، روضه الانوار
- ۲۱- محمد سعید طباطبایی ۱۰۳۱
- ۲۲- آقا حسین خوانساری ۱۰۳۳- مشارق الشمس فی شرح الدروس، مفاتیح الشرایع
- ۲۳- نور الدین کاشانی زنده در ۱۱۱۶
- ۲۴- آقا جمال خوانساری ۱۱۲۵- حاشیه شرح لمعه، حاشیه من لا یحضره الفقیه
- ۲۵- عبدالله بن حویزی زنده در ۱۱۳۲
- ۱۷
- ۲۶- بهاء الدین محمد تاج الدین حسین اصفهانی ۱۱۳۷
- ۲۷- محمد بن علی تستری ۱۱۴۱- سیر الملوک
- ۲۳- شیخ یوسف بحرانی ۱۱۳۶- الحدائق الناظره
- ۲۳- محمد باقر بن محمد اکمل وحید بهبهانی ۱۲۰۵- التحفه الحسینیة، حاشیه مسالک الافهام
- ۳۰- سید مهدی اصفهانی ۱۲۱۳
- ۳۱- آقا رضا همدانی ۱۳۲۲- مصباح الفقیه
- ۳۲- شیخ اسدالله شوشتری ۱۲۳۴- مقباس الانوار
- ۳۳- سید محمد طباطبایی مجاهد ۱۲۴۲
- ۳۴- ملا احمد نراقی ۱۲۴۵- عوائد الایام، مستند الشیعه
- ۳۵- شیخ محمد حسن نجفی ۱۲۴۶- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام
- ۳۶- حجت الاسلام شفتی ۱۲۶۰- مطالع الانوار
- ۳۷- جعفر کشفی ۱۲۶۷
- ۳۳- شیخ مرتضی انصاری ۱۲۳۱- مکاسب محرمة، رسائل
- ۳۳- ملا علی کنی ۱۳۰۶

- ۴۰- میرزا حبیب الله رشتی ۱۳۱۲
- ۴۱- میرزا محمد حسن شیرازی ۱۳۱۲- حاشیه بر نجاه العباد
- ۴۲- میرزا حسن آشتیانی ۱۳۱۳
- ۴۳- حاج میرزا حسین نوری ۱۳۲۰
- ۴۴- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ۱۳۲۳- کفایه الاصول
- ۴۵- سید محمد کاظم طباطبایی یزدی ۱۳۲۳
- ۴۶- شیخ فضل الله نوری ۱۳۲۳
- ۴۷- شیخ الشریعه اصفهانی ۱۳۳۳- قاعده طهارت
- ۱۸
- ۴۳- شیخ عبدالله مامقانی ۱۳۵۱
- ۴۳- شیخ عبدالکریم حائری یزدی ۱۳۵۵
- ۵۰- علامه محمد حسین نائینی ۱۳۵۵- تنزیه المله و تنبیه الامه
- ۵۱- آقا ضیاء الدین عراقی ۱۳۶۱
- ۵۲- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی «کمپانی» ۱۳۶۱
- ۵۳- حاج آقا حسین بروجردی ۱۳۳۰
- ۵۴- محقق داماد ۱۳۳۳
- ۵۵- سید محمد هادی حسینی میلانی ۱۳۳۵ کتاب الطهاره، مکاسب محرمه، تحریر الوسيله، کتاب الیبع، حکومت اسلامی
- ۵۶- محمد حسین شهاب الدین مرعشی ۱۴۱۱
- ۵۷- سید علی اکبر خوئی ۱۴۱۳
- ۶- حدیث**
- ۱- ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی ۳۲۳- الکافی
- ۲- ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه صدوق ۳۳۳- من لا یحضره الفقیه
- ۳- ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ۴۱۲- تهذیب، استبصار
- ۴- سید علی بن محمد بن علی حسینی جرجانی ۳۱۶- رساله فی علم اصول الحدیث
- ۵- ملا محمد حسن فیض کاشانی ۱۰۳۱

۶- میرزا حسین نوری ۱۳۲۰- مستدرک الوسائل

۷- شیخ عباس قمی ۱۳۵۳- سفینه البحار

۳- سید روح الله خمینی ۱۴۰۳- شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح چهل حدیث

۱۹

۷- علوم و معارف قرآنی

۱- عمرو بن عبید بصیری ۱۲۴

۲- ابوبکر عاصم ۱۲۷- تفسیر عاصم

۳- ابو عبدالله محمد، بعد از ۲۲۰- تفسیر البرقی الکبیر

۴- ابوالحسن علی بن مهزیار، زنده در ۲۲۳- تفسیر ابن مهزیار

۵- ابو محمد حسین اهوازی، حدود ۲۵۷- تفسیر حسین اهوازی

۶- ابو النصر محمد عیاشی، بعد از ۲۶۰- تفسیر عیاشی

۷- فضل بن شاذان نیشابوری، ۲۶۰- تفسیر فضل بن شاذان

۳- ابو حنیفه احمد دینوری ۲۳۲- تفسیر دینوری و

۳- ابو محمد سهل ۲۳۳- تفسیر القرآن العظیم

۱۰- ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، زنده در ۳۰۷- تفسیر قمی

۱۱- ابو محمد حسن بن موسی نوبختی ۳۱۰- التنزیه و ذکر متشابه القرآن

۱۲- او حفص قتیبه ۳۱۶- تفسیر قتیبه

۱۳- ابو مسلم محمد اصفهانی ۳۲۲- جامع التأویل

۱۴- ابو جعفر محمد جرجانی حدود ۳۲۵- تفسیر ابن عبدک محکم التنزیل

۱۵- ابوالحسن علی بن حسین قمی ۳۲۳- تفسیر ابن بابویه

۱۶- امین ابوالحسن عباد ۳۵۰- آیات الاحکام

۱۷- احمد ابن دول قمی ۳۵۰- تفسیر ابن دول قمی

۱۳- ابو علی حسن فارسی ۳۷۷- تفسیر ابو علی فارسی

۱۳- ابو جعفر محمد صدوق ۳۳۱- تفسیر کبیر صدوق

۲۰- ابوالحسین احمد قزوینی ۳۳۰- جامع التأویل

۲۱- ابو اسحاق احمد بن ابراهیم نیشابوری ۴۲۷- تفسیر الکشف و البیان من تفسیر القرآن

- ۲۲- ابو علی بن سینا ۴۲۳- تفسیر شیخ الرئيس ابو علی سینا
- ۲۳- ابو عبدالله اسماعیل ۴۳۰- کفایه التفسیر
- ۲۴- حافظ ابو نعیم اصفهانی ۴۳۰- ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام
- ۲۵- ابو جعفر طوسی ۴۶۰- التبیان فی تفسیر القرآن
- ۲۶- ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری ۴۶۳- اسباب النزول
- ۲۷- ابو یوسف عبدالسلام قزوینی ۴۳۳- حدائق ذات بهجه
- ۲۳- ابوالقاسم حسین راغب اصفهانی ۵۰۲- جامع التفسیر
- ۲۳- ابو محمد حسین معروف به ابن فرا ۵۱۶- معالم التنزیل
- ۳۰- ابوالقاسم برهان الدین محمود، زنده در ۵۲۱- الغرائب و العجائب
- ۳۱- ابوالحسن علی اصفهانی، زنده در ۵۳۵- کشف المشکلات و ایضاح المعطلات
- ۳۲- ابو علی فضل بن حسن طبرسی ۵۴۳- مجمع البیان فی تفسیر القرآن
- ۳۳- تاج الدین ابو الفتح محمد ۵۴۳- مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار
- ۳۴- ابوالفتح جمال الدین حسین ۵۵۴- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن
- ۳۵- ابو عبدالله محمد ۵۶۰- عین المعانی فی تفسیر تسع المعانی
- ۳۶- ابو علی محمد قبال نیشابوری ۵۶۵- التنویر فی معانی التفسیر
- ۳۷- ظهیر الدین ابو الحسن علی بیهقی ۵۶۵- تفسیر بیهقی
- ۳۳- قطب الدین ابوالحسین سعید راوندی ۵۷۳- فقه القرآن
- ۳۳- ظهیر الدین ابوجعفر محمد، زنده در ۵۷۷- البصائر فی وجوه و النظائر
- ۴۰- ابو عبدالله محمد مازندرانی ۵۳۳- بیان التنزیل
- ۴۱- عزالدین راوندی، زنده در ۵۳۳- تفسیر راوندی
- ۴۲- صدر الدین ابو محمد روزبهان شیرازی ۶۰۶- عرائس البیان فی حقایق القرآن
- ۴۳- ابو جعفر محمد نصیر الدین طوسی ۶۷۲- تفسیر خواجه نصیر الدین طوسی
- ۴۴- رشید الدین فضل الله ۷۱۳- مفتاح التفاسیر
- ۴۵- نظام الدین حسن نیشابوری، زنده در ۷۲۳- غرائب القرآن و رغائب الفرقان

- ۴۶- کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ۷۳۰ یا ۷۳۵- تأویل الآيات
- ۴۷- قطب الدین محمد رازی ۷۶۶- بحر الاصداف
- ۴۳- ابو محمد حسن دیلمی، حدود ۷۷۵- تفسیر دیلمی
- ۴۳- سید بهاء الدین حیدر آملی ۷۳۳- المحيط الاعظم
- ۵۰- ابوالفضل دیلمی مرقانی حدود ۳۰۰- تفسیر ابوالفضل دیلمی
- ۵۱- صائن الدین علی ۳۳۵- مدار الافهام
- ۵۲- ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی- تفسیر گازر
- ۵۳- ابوالمعالی محمد صدر الدین ثالث دشتکی ۳۰۳- الحاشیه علی تفسیر الکاشف
- ۵۴- معین الدین محمد ایچی شیرازی ۳۰۶- جامع البیان فی تفسیر القرآن
- ۵۵- مولی کمال الدین حسین بیهقی سبزواری ۳۱۰- جواهر التفسیر
- ۵۶- عادل بن علی حافظ خراسانی حدود ۳۱۵- منتخب ترجمان القرآن
- ۵۷- غیاث الدین منصور دشتکی ۳۴۳- تحفته الفتی فی تفسیر سوره هل اتی
- ۵۳- جمال الدین حسین اردبیلی ۳۵۰- تفسیر الهی اردبیلی
- ۵۳- فتح الله کاشانی ۳۳۳- منهج الصادقین
- ۶۰- احمد بن محمد مقدس اردبیلی ۳۳۳- زبده البیان فی براهین احکام القرآن
- ۶۱- سید ضیاء الدین قاضی نور الله شوشتری ۱۰۳۱- تفسیر قاضی نور الله شوشتری
- ۶۲- سید محمد باقر حسینی میر داماد استرآبادی ۱۰۴۰- سدره المنتهی
- ۶۳- صدر الدین محمد شیرازی ۱۰۵۰- تفسیر صدر المتألهین شیرازی
- ۶۴- شمس الدین محمد لاهیجی، زنده در ۱۰۷۴- اسرار الآيات
- ۶۵- محمد مومن سبزواری ۱۰۷۷- مقتبس الانوار
- ۲۲
- ۶۶- ضیاء الدین محمد یوسف زنده در ۱۰۳۳- مجمع البحرين
- ۶۷- قطب الدین محمد لاهیجی، زنده در ۱۰۳۶- تفسیر قطب الدین لاهیجی
- ۶۳- ملا محسن فیض کاشانی ۱۰۳۱- تفسیر الصافی
- ۶۳- عبدالعلی حویزی شیرازی ۱۰۳۷- نور الثقلین
- ۷۰- میرزا محمد قمی مشهدی ۱۱۰۲- کنز الدقائق و بحر الغرائب

- ۷۱- سید محمد علی سبزواری شیرازی ۱۱۱۰- جواهر الاسرار و ذخائر الانوار
- ۷۲- علیرضا اردکانی شیرازی ۱۱۲۰- تفسیر سلیمانی
- ۷۳- سید میر صدر الدین محمد زواره ای ۱۱۵۴- تفسیر مدرسی
- ۷۴- رفیع الدین جیلانی خراسانی ۱۱۶۱- تفسیر ملا رفیعا
- ۷۵- محمد علی طبسی نور علیشاه ۱۲۱۲- تفسیر نور علیشاه
- ۷۶- محمد ملائکه برغانی قزوینی ۱۲۲۰- تحفه الاسرار فی تفسیر القرآن
- ۷۷- علی نوری ۱۲۴۶- تفسیر نوری
- ۷۳- محمد رضا همدانی کوثر علیشاه ۱۲۴۷- تفسیر الدرالعظیم فی تفسیر القرآن العظیم
- ۷۳- میرزا هدایت الله شهیدی ۱۲۴۳- تفسیر شهیدی
- ۳۰- محمد صالح قزوینی حائری ۱۲۷۱- کنز العرفان فی تفسیر القرآن
- ۳۱- سید صبغه الله کشفی ۱۲۳۵- بصائر الایمان فی تفسیر القرآن
- ۳۲- نظر علی زنجانی ۱۲۳۳- لغات القرآن الکریم
- ۳۳- میرزا عبدالوهاب صالحی ۱۲۳۴- تفسیر صالحی برغانی
- ۳۴- میرزا حسن اصفهانی صفی علیشاه ۱۳۱۶- تفسیر صفی علیشاه
- ۳۵- سید محمد عصار ۱۳۵۶- ناسخ التفاسیر
- ۳۶- مجتبی قزوینی خراسانی ۱۳۶۳- بیان الفرقان
- ۳۷- محمد نهاوندی، زنده در ۱۳۷۱- نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن

۲۳

- ۳۳- سید کاظم عصار ۱۳۳۶- تفسیر عصار
- ۳۳- سید ابوالحسن رفیعی ۱۳۳۶- تفسیر رفیعی
- ۳۰- سید مصطفی خمینی ۱۳۳۷- تفسیر القرآن الکریم
- ۳۱- محمد حسین طباطبایی ۱۴۰۲- المیزان
- ۳۲- سید روح الله خمینی ۱۴۰۳- تفسیر سوره حمد

۸- علوم تجربی و ریاضی

- ۱- ابو الوفا محمد بن محمد بوزجانی ۳۳۳- فی ما يحتاج الیه الكتاب العمال فی علم الحساب
- ۲- ابو سهل بیژن بن رستم کوهی ۴۰۵- البرکات التام، صنعه الاسطرلاب

- ۳- ابن هیثم ابو علی حسن بن حسن بصری ۴۳۰
 ۴- ابوریحان محمد بن احمد بیرونی ۴۴۰-الفهیم، قانون مسعودی
 ۵- صدر الدین محمد شیرازی ۱۰۵۰-رساله فی القطب و المنطقه
 ۶- امیر محمد حکیم مومن ۱۰۳۰-تحفه حکیم مومن
 ۷- ملا مهدی نراقی ۱۲۰۳-المحصل فی مسائل الهیئه

۹-تاریخ رجال و تراجم

- ۱- احمد بن سهل رازی، زنده در ۱۷۶
 ۲- فضل بن شاذان، بعد از ۲۶۰
 ۳- احمد بن محمد بن خالد برقی ۲۳۰
 ۴- احمد بن محمد بن طیب سرخسی ۲۳۶
 ۵- احمد بن داود بن سعید گرگانی فرازی ۲۳۳
 ۶- شیخ المورخین ابو جعفر محمد بن جریر طبری ۳۱۰
 ۲۴
 ۷- حسن بن موسی نوبختی ۳۱۰
 ۳- اسماعیل بن علی بن نوبخت ۳۱۱
 ۳- محمد بن یعقوب کلینی رازی ۳۲۳
 ۱۰- احمد بن دول قمی ۳۵۰-علی بن حاتم قزوینی، زنده در ۳۵۰
 ۱۱- علی بن الحسین، ابوالفرج اصفهانی ۳۵۶-عبیدالله انباری ۳۵۶
 ۱۳- اسماعیل صاحب بن عباد ۳۳۵
 ۱۴- احمد بن علی سیرافی ۴۱۰
 ۱۵- محمد بن اسحاق ندیم، بعد از ۴۱۲
 ۱۶- احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه ۴۲۱
 ۱۷- ابوریحان محمد بن احمد بیرونی ۴۴۰-آثار الباقیه
 ۱۳- محمد بن حسن طوسی ۴۶۰
 ۱۳- فضل بن حسن طبرسی ۵۴۳
 ۲۰- محمد بن علی نیشابوری ۵۴۳

- ۲۱- عبدالجلیل قزوینی، زنده در ۵۵۶
- ۲۲- سعید بن هبه الله قطب راوندی ۵۷۳
- ۲۳- علی بن عبید الله منتخب الدین، بعد از ۵۳۵
- ۲۵- محمد نصیر الدین طوسی ۶۷۲- توضیح الذکره
- ۲۶- رشید الدین فضل الله همدانی ۷۱۳
- ۲۷- محمد علی شبانکاره ای، زنده ۷۳۴
- ۲۳- حسن بن حسین سبزواری بیهقی بعد از ۷۵۳
- ۲۳- اولیاء الله آملی، زنده در ۳۰۵
- ۳۰- ابوالقاسم کازرونی، زنده در ۳۳۰
- ۲۵
- ۳۱- عبدالله بن حسین شوشتری ۱۰۲۱
- ۳۲- محمد تقی مجلسی ۱۰۷۰
- ۳۳- محمد بن حسن قزوینی ۱۰۳۶
- ۳۴- عبدالحسین خاتون آبادی ۱۱۰۵
- ۳۵- محمد باقر مجلسی ۱۱۱۰
- ۳۶- محمد اسماعیل خاتون آبادی ۱۱۱۶
- ۳۷- سید مهدی بحر العلوم ۱۲۱۲
- ۳۳- ابوالقاسم گیلانی ۱۲۳۱
- ۳۳- احمد بن محمد وحید بهبهانی ۱۲۴۳
- ۴۰- عبدالحسین تهرانی شیخ العراقین ۱۲۳۶
- ۴۱- عباس بن علی اکبر شوشتری ۱۳۰۶
- ۴۲- احمد یزدی مشهدی ۱۳۱۰
- ۴۳- محمد باقر خوانساری ۱۳۱۳
- ۴۴- حسین نوری ۱۳۲۰
- ۴۵- ابراهیم دنبلی ۱۳۲۵
- ۴۶- محمد باقر همدانی ۱۳۳۳

۴۷- عبدالله مامقانی ۱۳۵۱- حاج ملا هاشم خراسانی ۱۳۵۲

۴۳- شیخ عباس قمی ۱۳۵۳

۴۳- علی اکبر نهاوندی ۱۳۶۳

۵۰- محمد علی مدرس ۱۳۷۳

۵۱- عباس اقبال آشتیانی ۱۳۷۵

۵۲- محمد علی هبه الدین شهرستانی ۱۳۳۶

۲۶

۵۴- محسن بن علی تهرانی، آقا بزرگ ۱۳۳۳

۵۵- عبدالحسین احمد امینی ۱۳۳۰

۵۶- موسی زنجانی ۱۳۳۳

۵۷- محمد حسین شهاب الدین مرعشی ۱۴۱۱

۵۳- محمد تقی شوشتری ۱۴۱۵

۵۳- عبدالعزیز طباطبایی ۱۴۱۶

۱۱- ادب و هنر

۱- یعقوب بن اسحاق اهوازی «ابن سکیت» ۲۴۴

۲- کسایی مروزی زنده در ۲۳۱

۳- فردوسی توسی ۴۱۱- شاهنامه

۴- عماد الدین نسیمی ۳۲۰- دیوان

۵- محمد بن حسام الدین ۳۷۵- دیوان

۶- میر سید علی ۳۶۷- نقاش

۷- جلال الدین میرک حسنی (حسینی ۳۳۳- نقاش

۳- شیخ محمد بن کمال سبزواری ۳۳۶- نقاش

۳- محمد باقر میر داماد ۱۰۴۱- دیوان

۱۳- صدر الدین محمد شیرازی ۱۰۵۰- مجموعه اشعار

۱۴- ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی ۱۰۷۲- دیوان

۱۵- ملا محسن فیض کاشانی ۱۰۳۱- دیوان

۱۶- هاتف اصفهانی ۱۱۳۳- دیوان
۱۷- حاج ملا احمد نراقی ۱۲۴۵- مثنوی طاق‌دیس

۲۷

- ۱۳- حاج ملا هادی سبزواری ۱۲۳۳- دیوان
۱۳- عمان سامانی ۱۳۲۲- گنجینه الاسرار
۲۰- میرزا حبیب الله مجتهد خراسانی ۱۳۲۷- دیوان حبیب
۲۱- میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری ۱۳۴۴
۲۲- ملا محمد حکیم هیدجی ۱۳۴۶- دیوان
۲۳- سید شرف الدین گیلانی ۱۳۵۲- دیوان
۲۴- میرزا نور الله عمان سامانی ۱۳۵۵- دیوان
۲۵- حسنعلی راشد ۱۳۶۲- خطابه
۲۶- محمد تقی ملک الشعراى بهار ۱۳۷۰- دیوان
۲۷- سید روح الله خمینی ۱۴۰۳- دیوان شعر
۲۳- محمد تقی فلسفی ۱۴۱۳- خطابه

ج- کار کردهای پژوهش در رسالت حوزویان

الف- آزاد اندیشی و وارستگی از تعلقات صنفی، فرقه های نژادی، منطقه ای، جنسیتی

ب- حق گرایی

ج- کند و کاو افق ها

د- بهره گیری از تجربیات گذشته

ه- اصلاح گرایی

و- نقد پذیری و سعه نظر

ز- ابتکار و نو آوری

د- ارتباط رسالت پژوهش حوزویان با دیگر رسالت های حوزوی

۱- احراز حق

۲- ترویج حق

۲۸

۳- تعامل جهانی با فرهنگها

ه- عوامل رشد و افول پژوهش های حوزوی

۱- عوامل رشد

الف- کلان نگری با اهتمام به کلام اکابر، حکمت و عرفان و بکارگیری علوم ابزاری متناسب در تحقیق

ب- تعیین و اولویت های پژوهشی براساس سه مولفه

۱-رسالت حوزه

۲-ارتباط معارف دینی و علوم بشری

۳-عقلانیت

ج- مطالعات میدانی

د- نظارت و ارزیابی: فرایند ارزشیابی فرایندی ذهنی است که بر مبنای نوعی داوری و براساس تشخیص

کیفیت ها صورت می گیرد. در ارزیابی لازم است آسان گیری یا سخت گیری و قضاوت غیر منصفانه و مبتنی بر ناآزمودگی صورت نگیرد

ه- کار گروهی: این روش موجب اتقان کارهای پژوهشی می تواند باشد به این منظور آموزش های لازم، هنجار شدن تمایلات درون گروهی، تجمل نقش های درون گروهی، و تقسیم کار برای شرکت در گروه ضروری است.

۲-عوامل افول

الف- جزئی نگری و فرو غلطیدن در مباحث فرعی محض

ب- رواج مباحث ذهنی و بی فایده

ج- دوری از مساله محوری و مطالعات میدانی

د- جزم اندیشی و نگرانی از دست آورد پژوهش

ه- عدم برنامه ریزی دراز مدت برای دست یابی به اهداف.

و- فرد گرایی و عدم تخصص افراد موجب پژوهش های ناکار آمد و غیر مفید می شود.

و- ویژگی های رسالت پژوهشی حوزویان در دوره کنونی

۲۹

الف- گسترش مطالعات دینی به همه حوزه هایی چون کلام، فقه، تاریخ، اخلاق، روان شناسی دین،

جامعه شناسی، فلسفه دین، تاریخ ادیان

ب- برخورداری از نگاه تطبیقی

ج- تحمل آراء دیگران

ز- پیش نیازهای علمی برای پژوهش

الف-شناخت قلمرو دانش پیشین و کنونی خود

ب- برخورداری از نگاه کلان

ج- برخورداری از تاریخ علم

د- طبقه بندی علوم

ه- آشنایی با زبانهای دیگر

و- برخورداری از مطالعات میدانی و نحوه مشاهده و مستند سازی

ح- آسیب شناسی پژوهش در دوره کنونی

۱- فقدان الگوی مدیریت علمی

۲- فقدان ساختار مناسب در نظام آموزشی برای پرورش محقق

۳- غیر واقعی بودن اولویت های تحقیقی

۴- فقدان ساختار مناسب مدیریت کلان در نظام پژوهشی

۵- روشن نبودن راهبرد تحقیقاتی

۶- فقدان معیارهای ارزیابی

۷- فقدان تشکیلات مناسب برای همکاری بین حوزه و مراکز پژوهشی

۳- عدم توجه به فرهنگ کار گروهی

۳- فقدان انگیزه

۱۰- ناآشنایی با تعاریف و مفاهیم و روش ها براساس استانداردهای بین المللی

۳۰

۱۱- شکاف علمی با جهان

۱۲- ضعف دسترسی به اطلاعات

۱۳- عدم فضای مناسب برای همکاری بین المللی

۱۴- ناشناخته ماندن محققان

۱۵- ناکافی بودن سهم بودجه تحقیقات

۱۶- بکار نگرفتن نتایج تحقیق

۱۷- نداشتن نشریات علمی مناسب

۱۳- دولتی شدن پژوهشها:

در گذشته پژوهش های حوزوی عمدتاً به صورت انفرادی با امکانات شخصی و براساس مصالحی که خود

محققان تشخیص می داده اند انجام می شد، اما امروزه این نوع پژوهش ها بسیار کم بلکه امکان چنین

پژوهش هایی نیز به صورت جدی مورد تردید می باشد.

تمرکز تحقیقات دینی در نهادها مزایایی دارد که قابل انکار نیست:

۱- در این موسسات عقل فردی جای خود را به خرد جمعی داده پژوهش ها بر اساس شیوه های گروهی و تشکیلاتی به سامان می رسد. این گونه پژوهش ها به جهت برخورداری از تعداد نظر و یا نظارت های گوناگونی که در مراحل مختلف بر آن اعمال می شود از اتقان قابل قبول و غنای علمی مورد اعتنا برخوردار می باشد.

۲- بخاطر ارتباط ارگانیک و یا مالی اکثر این موسسات به دولت و نهادهای حکومتی پژوهش های انجام شده تطبیق بیشتری با نیازهای واقعی جامعه دارد.

۳- این نهادها به جهت برخورداری از بودجه های کافی و تامین نسبی زندگی محققانی که با آنان همکاری دارند موجب شده اند پژوهشگران با دغدغه کمتر و فراغت ذهنی بیشتری به امر پژوهش پرداخته طبعا آثار گرانباتری عرضه نمایند.

در عین حال تجمیع پژوهش های حوزوی در این نهادهای عمدتا وابسته به بودجه های دولتی مشکلاتی را بیار آورده است که قابل تامل است.

اساسی ترین معضلی که بخشی از پژوهش های حوزوی در حال حاضر با آن دست به گریبان هستند وابستگی آنها به بودجه های دولتی است. یکی از امتیازات حوزه های علمیه که مورد تاکید حضرت امام و مقام معظم رهبری

۳۱

نیز قرار گرفته است استقلال آن از دولت و نهادهای دولتی است. اگرچه حوزه ها براساس پیوندی که به نظام اسلامی دارند موظف اند همواره در خدمت اهداف نظام جمهوری اسلامی بوده معضلات آن را از خود بدانند و در رفع تنگنای علمی و فرهنگی آن بکوشند اما این امر هیچ ملازمه ای با وابستگی به دولت ندارد. طبیعی است در شرایط نه چندان مناسب اقتصادی فعلی هر محققى ترجیح دهد عطای پژوهش شخصی بگونه ای در موسسات وابسته به دولت شاغل گردد.

از سوی دیگر اگر روزی دولتی آزاداندیشی روحانیت را برخلاف مصالح خویش تشخیص داده و دست نوازش خود را از سر این نهادها بردارد چه باید کرد

یکی دیگر از پیامدهای ناگوار وابستگی به بودجه های دولتی در پژوهش های علمی که در حال اتفاق افتادن است، محافظه کاری در تحقیق و خودسانسوری است. در مقام تحقیق و پژوهش هرگز نمی توان مصالح را بر یافته های علمی ترجیح داد. وابستگی به مراکز قدرت محقق را از قدم گذاشتن به افق های تازه بازمی دارد و جسارت و جرات را در او از بین می برد. ضمن اینکه پژوهش هایی که وابسته به اراده و هزینه دیگران باشد سطحی کم عمق و غیر کارآمد خواهد بود و علاوه بر فرصت سوزی هدر دادن امکانات عمومی بشمار می رود. با اینکه طی سالیان گذشته تحقیقات فراوانی در حوزه به انجام رسیده است اما متأسفانه محافظه کاری در آنها کاملاً مشهود است. این

پرسش به صورت جدی در رابطه با پژوهش های حوزوی مطرح است که چرا در سالهای اخیر شاهد سخنان جدی و جدید پویا و نظریه پردازانه نبوده است.

مدیریت حوزه باید راهکارهایی پیدا نماید تا روحیه تحقیق پژوهش و عمق نگری در میان دانش پژوهان حوزوی زنده بماند.

ت- آشنایی با پژوهشگاه های حوزوی

پژوهشگاه بین المللی المصطفی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

پژوهشگاه مطالعات تقریبی

۳۲

پژوهشکده باقر العلوم

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

پژوهشکده حج و زیارت

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

پژوهشکده علوم و معارف قرآنی علامه طباطبایی

مراکز پژوهشی:

مرکز آموزش تخصصی شیعه شناسی حوزه علمیه قم

مرکز احیای آثار ملا حبیب الله شریف کاشانی

مرکز احیای میراث اسلامی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی قم

مبحث دوم

بخش اول

مسئله_یابی

اولین گام تحقیق مسأله یابی است. محقق میبایست در ابتدا تفاوت موضوع و مسئله را مد نظر داشته باشد و با توجه به جزئی تر بودن مسأله از موضوع، منابع و روش های کشف آن را نیز بداند. بر او لازم است مسأله پژوهشی خود را با توجه به منابع کشف مسأله (کتاب، پایان نامه ها، مراکز علمی-پژوهشی، سایتهای تحقیقاتی، تجربیات شخصی، مراکز پاسخگویی به شبهات، محیط زندگی، مجلات و...) انتخاب نماید. او با در نظر داشتن هدف تحقیق خود، میزان ضرورت تحقیق و پیشینه آن را بررسی کرده، با تعیین کردن شیوه تحقیق، منابع و مآخذ مرتبط را استخراج نماید.

گام بعدی تدوین طرح تحقیق می باشد. در طرح تحقیق می بایست ابعاد و عناصر طرح مورد دقت قرار گیرد. مواردی چون بیان مسأله، ضرورت، هدف، سوالات اصلی و فرعی، پیشینه، روش تحقیق، ساختار تحقیق، بخش ها و فصول، طبق ضوابط مرکز مدیریت، در طرح تحقیق باید مراعات گردند. مطالعه تحقیقات پایانی موجود در کتابخانه مدارس جهت تهیه طرحنامه های تفصیلی و اجمالی، روش مناسبی میباشد.

مرحله بعد مطالعه و جمع آوری اطلاعات میباشد. محقق با جستجو در منابع تحقیق خود به استخراج، ثبت و ضبط اطلاعات شناسایی شده پرداخته و ضمن فیش برداری و خلاصه نویسی، مآخذ مرتبط را مورد کنکاش قرار می دهد. بازدید از کتابخانه ها، مشورت با کتابداران با تجربه، جستجوی اینترنتی در پایگاههای پژوهشی و استفاده از نرم افزارها، ابزارهای مطلوبی برای کسب اطلاعات میباشد.

اطلاعات جمع آوری شده میبایست ساماندهی و طبقه بندی گردند تا دسترسی به آنها به سهولت انجام پذیرد و باعث صرفه جویی در وقت گردد. فیش برداری، خلاصه نویسی و اقتباس، از جمله روشهای دسته بندی و تجمیع اطلاعات میباشد. استفاده از نرم افزارهای فیش نگار پیشنهاد مناسبی میباشد.

نتیجه گیری، استنتاج یا استدلال و یافتن پاسخ سوالات مطروحه، مراحل پایانی تحقیق میباشد که باعث به ثمر رسیدن تحقیق میشوند.

البته یکی از مهمترین اصول تحقیق، رعایت صداقت و امانت داری می باشد. متخلق بودن به اخلاق پژوهشی میبایست سرلوحه امور باشد. «کونوا دعاء الناس بغير السنتم». در ادامه موارد مرتبط با هر بخش به شرح توضیح داده میشود.

بخش دوم

نوشتن

نوشتن از دو فعالیت تشکیل شده است :

اول - نوشته عام :

بیان کتبی آنچه در درون آدمی هست و او می‌تواند به زبان عادی، دانسته‌ها، خواسته‌ها، اندیشه‌ها، عواطف و تخیلاتش را بنویسد. این نوع نوشته، جنبه اطلاع‌رسانی دارد. به کسی که این کار را انجام می‌دهد، نگارنده می‌گویند و این کار یک فن، مانند دیگر فنون است.

دوم - نوشته خاص :

در این نوع از نوشتن، مکونات درون به بیان کتبی، هنرمندانه و زیبا نوشته می‌شود. در این صورت به او نویسنده می‌گویند و آن هم یک هنر است مانند هنرهای دیگر.

بنابراین، کسی که می‌تواند نوشته‌ای بی‌غلط و قابل فهم بنویسد، نگارنده است، اما اگر افزون بر درستی و قابل فهم بودن، زیبا هم خلق کند، نویسنده است. بدیهی است در نگارش صرف، نیاز به ذوق نیست، بلکه تنها آموزش و دانش کافی است، اما در نویسندگی افزون بر آنها، به ذوق هم نیاز است. کسی که می‌خواهد بنویسد «خورشید طلوع کرد و کم‌کم روشنایی‌اش همه جا را فرا گرفت»، به ذوق خدادادی نیاز ندارد و افراد زیادی می‌توانند این کار را انجام دهند، اما اگر می‌خواهد بنویسد: «گل خورشید شکفت و کم‌کم رایحه آن در همه جا پیچید»، باید ذوق و استعداد هنری داشته باشد.

بین تحقیق و تألیف، رابطه عموم و خصوص من‌وجه برقرار است؛ یعنی ممکن است تألیف، همراه با تحقیق باشد و ممکن است تألیف باشد، اما تحقیق نباشد یا تحقیق باشد، ولی تألیف نباشد. (استادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱) تألیف از ماده «الف» به معنای پیوند زدن و به هم آمیختن و گردآوری مطالب مناسب است؛ یعنی مؤلف صرفاً گردآورنده مطالب از جاهای مختلف و تنظیم‌کننده مطالب و محتوای آن است که با تتبع و پژوهش دیگران به دست آمده است. البته این امر می‌تواند مقدمه تحقیق نیز باشد. (محدثی، ۱۳۷۳، ص ۶۲)

آنچه در نویسندگی مهم است، این است که نویسنده بتواند یا به صورتی خلاق و مولدانه، موضوعی را پرورش دهد و بیافریند و یا اینکه با اتکا به معلومات و محفوظات خود، یافته‌های ذهنی‌اش را با چینی مرتب، قلمی روان و با رعایت اصول و قواعد نگارش خلق کند. باید دانست پس از شاهراه آموزش، دو راهه تحقیق و تألیف رخ می‌نماید. در مجموع، باید گفت نوشتن را باید با نوشتن آموخت و با تمرین و مطالعه مستمر، استعدادهای پنهان را شکوفا و قلم جامد را به روانی و زلالی نزدیک ساخت. برخی نویسندگان، کتاب‌ها را بر سه نوع تقسیم می‌کنند: چشیدنی، بلعیدنی و هضم‌کردنی. چشیدنی را باید گذرا عبور کرد. بلعیدنی، نکاتی مفید دارد اما، به تأمل و تعقل فراوان نیاز ندارد، مانند کتاب‌های تاریخی، قصه، رمان، فکاهیات و مجلات. هضم‌کردنی‌ها به تأمل برای فهم نیاز دارند، مانند کتاب‌های فنی، علمی و تحقیقی و آموزشی. (محدثی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۱ با تصرف)

بخش سوم

ویژگی‌های یک نوشته خوب

موارد زیر از امتیازات و صفات شایسته یک نوشته خوب است :

الف. سادگی و کوتاهی جملات :

جملات باید کوتاه و زنده باشند. جملات طولانی و خسته‌کننده حتی پیام‌رسانی را نارسا و نامفهوم می‌سازد. به کارگیری واژگان مبهم، پیچیده و سنگین و اصطلاحات نامأنوس، ملال‌آور و خسته‌کننده است. برعکس، جملات کوتاه و ساده بر غنا و جاذبه اثر می‌افزاید و خیلی سریع، مفاهیم را به خواننده منتقل می‌کند. فاصله بسیار بین فاعل و فعل و نهاد و گزاره و پر کردن سطور از جملات و مطالب پراکنده و جملات معترضه، خواننده را حیران و سردرگم می‌کند و وقتی به انتهای جمله می‌رسد، مفاهیم اولیه را از یاد می‌برد.

ب. درست‌نویسی

شناخت قواعد جمله‌سازی و ترکیب کلمات باعث قوام‌بخشی و ارزشمندی نوشته است. نویسنده باید مواردی چون نهاد و گزاره، حرف ربط، تناسب فعل و فاعل، ضمیر، اشارات، جملات شرطی و استفهامی و خبری، ترکیب‌ها و اضافات و زمان و دیگر موارد را بشناسد؛ چون نبود هر یک از آنها یا استفاده نابجای از آنها، به همان اندازه جمله را مشوش و نارسا می‌سازد. علایم نگارشی مانند تابلوهای راهنمایی و رانندگی یا حرکات چهره یک سخنران است که نبود هر یک از آنها یا نصب و استفاده غلط از آنها حادثه‌ساز است. در مقابل، استفاده درست از آنها به آدمی در پیمودن درست مسیر راه، ارائه مطالب یا خلق یک اثر خوب کمک می‌کند. کاربرد علایمی مانند نقطه، ویرگول، علامت سؤال، نقل قول، دونقطه، گیومه، پرانتز و مانند آن، نوشته‌ها را زیبا و رسا می‌سازد. (محدثی، ۱۳۷۳، ص ۹۳ - ۹۲ با تصرف)

ج. برخورداری از پیام و هدف روشن :

هدف و مقصود نویسنده باید واضح باشد. سردرگمی و پیچیدگی مفاهیم باعث برهم خوردن ارتباط بین نویسنده و خواننده می‌گردد. هدف کلی و هدف از نوشتن هر پاراگراف باید مشخص باشد تا نویسنده در مسیر دستیابی به هدف، چه در یک پاراگراف و چه در مجموع مطالب حرکت کند. با هدف‌گزینی است که تک‌تک جملات در خدمت نگارش آن نوشته قرار می‌گیرند.

د. پر محتوایی و کم‌حجمی :

پرهیز از پرگویی و اضافه‌گویی امری بایسته و شایسته است. باید با پرهیز از عبارت‌پردازی به سوی غنابخشی محتوا گام برداشت. البته رمز‌نویسی، مغلق‌نویسی و خلاصه‌نویسی هم نادرست است و به اصطلاح، باید از «اطناب ممل» و «ایجاز مخل» پرهیز کرد. باید مطلب را طوری نوشت که مخاطب احساس ملال و خستگی نکند و در عین حال منظور نویسنده را با حداقل کلمات و جملات دریابد.

ه. فصاحت و بلاغت :

درستی کلمه و کلام و ترکیب الفاظ و سهولت و رعایت قواعد، فصاحت است. شناخت مقتضای حال و تناسب زمانی و مکانی و شرایط جامعه و روحیات خواننده و هم‌سوئی با نیازها به بلاغت مربوط می‌شود. هر نوشته‌ای باید هم فصیح باشد و هم بلیغ و از قواعد و ضوابط فصاحت و بلاغت به خوبی پیروی کند.

و. خلاقیت و نوآوری :

نوشته‌های نوآورانه ارزشمند و قابل احترامند. ابداع می‌تواند هم در مضمون و دیدگاه پیام باشد و هم در شکل جملات و قالب‌های جدید در سبک نویسنده‌گی. تکرار مکررات و بی‌محتوایی، نوشته را مطرود و ملال‌آور می‌سازد و با خواندن چند صفحه یا نگاه به فهرست مطالب بلافاصله خواننده خود را از آن بی‌نیاز خواهد یافت.

بخش چهارم

انواع تحقیق

تحقیق از جنبه‌های گوناگون به انواعی تقسیم می‌شود :

۱. بنیادی و کاربردی

«تحقیق بنیادی» تحقیقی است که با موضوع‌های زیربنایی در ارتباط است. ولی «تحقیق‌های کاربردی»، از جمله تحقیق‌هایی هستند که در پاسخ به مسائل عصری به انجام می‌رسد و نتایج آن برای اصلاح امور به کار می‌رود. برای نمونه، ناسخ و منسوخ و ظاهر و باطن و اعجاز قرآن، تحقیقی بنیادی است. اما نوگرایی، تحجرگرایی و پاسخ به شبهه‌ها و مسائل مستحدثه فرهنگی معاصر، کاربردی‌اند.

۲. میدانی و اسنادی (کتابخانه‌ای)

تحقیق میدانی تحقیقی است که بر روی پدیده‌های عینی محسوس و قابل اندازه‌گیری صورت می‌گیرد. به طور کلی، هر مطالعه علمی بزرگ یا کوچکی که روابط را به طور نظام یافته دنبال می‌کند و فرضیه‌ها را می‌آزماید و نیز در شرایط زندگی واقعی مانند: جوامع محلی، مدارس، کارخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسه‌ها که اجرا می‌شود، از انواع مطالعه میدانی است. در تحقیقات میدانی، محقق از سه روش «مشاهده»، «مصاحبه» و «پرسشنامه» برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز خود بهره می‌برد. در تحقیق اسنادی، اطلاعات لازم در مورد ریز موضوع‌های تحقیق، از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها و دیگر آثار مکتوب که به طور معمول در کتابخانه‌های عمومی یا تخصصی موجود است و نیز با اندیشه‌ورزی و تدبر بر روی اطلاعات، به دست می‌آید. بر این اساس، پژوهشگر نخست باید نوعی کتاب‌شناسی متناسب با پژوهش خود را فراهم آورد. منبع‌شناسی، محقق را آگاه می‌سازد که از هر منبع در چه موضوعی و به چه اندازه‌ای باید استفاده کند.

۳. درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای

بسیاری از موضوع‌ها به اعتبارهای گوناگون، در علوم متعددی مورد بحث قرار می‌گیرند. «تحقیق درون رشته‌ای»، تحقیقی است که برای رسیدن به نتایج مورد نظر، به مباحث مطرح در یک علم بسنده می‌شود. ولی در «تحقیق میان رشته‌ای»، باید به مباحث دو یا چند علم مراجعه شود. بر این اساس، مقایسه قصاص در علوم فقهی و حقوق، موضوعی میان رشته‌ای است. اما قصاص در فقه اسلامی، درون رشته‌ای محسوب می‌شود.

۴. متن پژوهی، موضوع پژوهی یا مسئله پژوهی

برخی از تحقیق‌ها مانند: ترجمه و نقد یک اثر و یا تصحیح و تعلیق یک نسخه خطی که برای حل یک مسئله یا مسائل خاصی انجام نمی‌شوند، را می‌توان «متن پژوهی» نامید. بعضی از پژوهش‌ها به موضوع خاصی می‌پردازد مانند شفاعت یا توسل اما برخی دیگر از تحقیق‌ها که برای پاسخ‌گویی به سؤال یا سؤال‌های خاصی انجام می‌شوند، «مسئله پژوهی» نام دارند؛ مانند اینکه بدانیم زبان قرآن، چه زبانی است؟ آیا عرفی است یا فرا عرفی؟

به این سه نوع پژوهش، متن محوری، موضوع محوری و مسئله محوری هم گفته می‌شود.

۵. تحقیق معناشناختی و تحقیق پدیده شناختی

در تحقیق معنا شناختی، موضوع آن معناست و رابطه معنا با لفظ، یا معنا با معنا بررسی می‌شود. معنا هم دو قسم است: الف) معنای بسیط که عبارت است از: مفهوم یا تصور؛ ب) معنای مرکب که عبارت از قضیه یا تصدیق است. در «تحقیق پدیده شناختی»، موضوع آن پدیده یا رابطه دو پدیده خارجی با یکدیگر، بررسی می‌شود که آیا وجود یکی، سبب وجود دیگری می‌شود (تحقیق علی) و آیا اوصاف مشترکی با هم دارند (تحقیق توصیفی) و مانند آن.

۶. تحقیق_توصیفی، تحقیق_انتقادی و تحقیق_تبیینی

در «تحقیق توصیفی» پژوهشگر به گزارش دهی اطلاعات حاصل از تحقیق می‌پردازد، بدون آنکه در مورد آنها هیچ گونه اظهارنظری بکند. البته گاهی توصیف از منظر صاحبان اقوال و انظار است و زمانی نیز محقق از منظر یک ناظر بیرونی به اقوال می‌نگرد. ولی در «تحقیق انتقادی»، محقق علاوه بر گزارش اطلاعات، به ارزیابی و رد و اثبات آنها می‌پردازد. در تحقیق انتقادی، برای اینکه طلبه‌ای بتواند با شناسایی مواضع غفلت و ایجاد هوشیاری برای تکرار نشدن آنها، در کار خویش بهره گرفته و با فرایند رساله نویسی آشنا شود، شایسته است آثار تحقیقی دیگران را بررسی و آنها را با توجه به اصول علمی، از زوایای گوناگون نقد و ارزیابی کند. اما «تحقیق تبیینی» آن است که محقق می‌کوشد تا از زوایای پنهان موضوع تحقیق، مانند: علل، انگیزه‌ها، لوازم و عواقب آن پرده بردارد.

بخش پنجم

مراحل_مهم_پژوهش

۱. مسئله‌یابی، فرضیه و طرح تحقیق

ابتدا انسان دغدغه حل مشکل و مسئله‌ای را در ذهن می‌پروراند و تصمیم می‌گیرد که در پی کشف این مجهول باشد. در واقع، انسان از مجهول به معلوم می‌رسد و این سؤال‌ها و مجهولات مبنای هر فرضیه علمی را تشکیل می‌دهند. پس از طرح مجهول و تشکیل فرضیه، برای بررسی و اثبات آن باید طرح تحقیق ریخته شود. طرح تحقیق، قانون کار محقق است و هدف، محدوده کار، رئوس مباحث، ابزارها و روش تحقیق و منابع را روشن می‌سازد و مانع از پراکنده‌کاری و اتلاف وقت و نیرو می‌گردد.

۲. انتخاب_روش_تحقیق

نویسنده مقاله تحقیقی به تناسب رشته و موضوع مورد بررسی، روش خاصی را در امر تحقیق انتخاب می‌کند. در عین حال، از برخی قواعد و روش‌های عمومی نیز استفاده می‌کند که تقریباً در تمام مقاله‌های تحقیقی، مشترک است. روش تحقیق به دو نوع میدانی و کتابخانه‌ای تقسیم می‌شود.

۳. گردآوری مواد پژوهش و منابع تحقیق

پس از عبور از دو مرحله اولیه، محقق به معلومات خویش مراجعه می‌کند و از میان دانش و محفوظات خود، آنچه را با فرضیه و مجهول وی ارتباطی دارند، برمی‌گزیند، مرتب می‌کند و مقدمات استدلال خود را تشکیل می‌دهد. در اینجا نوع و میزان معلومات، مؤثر است. همچنین تسلط او بر ابزار و تکنولوژی روز در استفاده بهتر از منابع مکتوب و فضاهای مجازی اهمیت دارد.

این مرحله با کتاب‌شناسی آغاز می‌شود. سپس در حوزه مقالات به تفحص می‌نشیند و از پایان‌نامه‌ها نیز غافل نمی‌ماند. باید توجه داشت که در به کارگیری منابع، اصالت با اعتبار منابع است، نه تعدد آنها. همچنین فهرست منابع و مآخذ، نشان‌دهنده اعتبار علمی نوشته و بیانگر اشراف نویسنده بر منابع است. محقق باید تلاش کند از منابع قدیمی و جدیدترین تحقیقات، به درستی استفاده کند.

۴. تنظیم مطالب و نتیجه‌گیری

اساساً مشکل اساسی در تنظیم مطالب، در فقدان یا نقصان طرح تحقیق بروز می‌کند. در صورتی که محقق از ابتدا نقشه راهی بر اساس چارچوب نظری و با تکیه بر فرضیات پیش‌بینی شده داشته باشد و بداند که در جست‌وجوی چیست، در آن صورت، منابع هم با او همراه می‌شوند و در خدمت اهداف علمی او قرار می‌گیرند. البته مشکل دیگری هم در تنظیم مطالب وجود دارد که حاکی از ناورزیدگی در قوه تعقل و تفکر است که به ممارست و تمرین بیشتر نیاز دارد.

بخش ششم

مسئله تحقیق

موضوع تحقیق باید به روشنی مشخص و تعریف شده باشد. چه بسا، علاقه به موضوع، ناشی از پیچیدگی آن و تنوع اندیشه درباره آن باشد و پرداختن به چنین موضوعی، ما را به نتایج جامع و مطلوبی نرساند. بهترین راه، بررسی نظام‌مند یک موضوع، تقلیل آن به سؤال یا سؤال‌هایی قابل تحقیق است. تبدیل اندیشه‌ها در موضوع‌های کلی به سؤال‌ها و سپس اصلاح و پیرایش آنها و رسیدن به مسئله تحقیق، شامل یک فرایند آزمایش و خطاست.

هر پژوهش علمی با مسئله‌ای آغاز می‌شود و سپس با طرح سوال در پی پاسخ گویی به امور ناشناخته و مبهم بر می‌آید. باید توجه داشت که پایان‌نامه ای که به تتبع موضوع محورانه و موضوع‌های وسیع می‌پردازد، ظرفی وسیع، اما بدون عمق است. در حالی که پژوهش مسئله محور به پایان‌نامه، غنا و ژرفای ویژه‌ای می‌بخشد. اگر موضوع رساله گسترده باشد، غنایی کافی نمی‌یابد و هر چه جزئی‌تر و تخصصی‌تر باشد، ارزشمندتر می‌شود و دست‌یابی به اهداف نیز آسان‌تر خواهد بود. برای نمونه، پژوهش در مورد شفاعت، موضوع محوری است، اما هدایت این موضوع به سوی مأذون بودن در شفاعت یا طلب شفاعت در دنیا یا آخرت، تبدیل موضوع به مسئله‌ای خاص و عنوان قابل تحقیق است؛ به این صورت که آیا در شفاعت، اذن خداوند نیز دخیل است یا می‌توان در دنیا هم از شفاعت‌کننده طلب شفاعت کرد یا اینکه این امر، تنها در آخرت ممکن می‌شود؟ در این حال، موضوع به مسئله تبدیل شده است. محقق در برخورد با یک مسئله، آن را به سؤال تبدیل می‌کند و همچنین از سؤال خود یک فرضیه می‌سازد و آنگاه فرضیه را به آزمون می‌گذارد، مانند اینکه در مسئله مأذون بودن در شفاعت، ابتدا آن را به سؤال تبدیل می‌کند که آیا مأذون بودن در شفاعت لازم است؟

سپس بر مبنای همین سؤال، فرضیه‌ای بنا می‌نهد که پاسخ حدسی اوست؛ مانند اینکه بگوید بر اساس آموزه‌های کتاب و سنت، مأذون بودن در شفاعت لازم است. سپس، همین پاسخ حدسی را به آزمون می‌گذارد و با بررسی در متون دینی، آن را اثبات یا رد می‌کند.

عناصر مهم در مسئله‌یابی

مسئله، توده‌ای از سؤال‌هایی بی‌پاسخ است که با توجه به واقعیت‌های موجود و خلاء معرفتی آن، در ذهن پژوهشگر شکل می‌گیرد. البته همه سؤال‌های ذهنی، قابل پژوهش نیستند؛ سؤال‌هایی مهم‌اند که ارزش تحقیق و تازگی و اولویت داشته و نیاز جامعه علمی را برآورده سازند و امکان دستیابی به منابع برای پاسخ‌گویی به آنها وجود داشته باشد. با توانمندی محقق هماهنگ بوده و قلمرو و حدود آن مشخص باشد. البته تعیین نوع مسئله، تعیین طرح دقیق و عنوان مناسب و پیشینه‌سازی مسئله، فرضیه یابی و روش‌شناسی مسئله نیز مورد انتظار است.

تبارشناسی_مسئله

شناخت نژاد، نسل و خاستگاه، اهمیت بسیاری دارد. باید بدانیم که مسئله مورد نظر در چه علمی ریشه دارد و در چه شاخه‌هایی قابل بحث است. با تبارشناسی درست، محقق از هر خلط و خطایی ایمن می‌ماند، مرزبندی‌ها را به درستی می‌شناسد، تحقیق خود را سامان‌مند می‌کند و چارچوب نظری، اصول، ضوابط، روش‌ها و ابزارهای تحقیق را از همان گستره خاص دریافت می‌دارد. درواقع، نوآور بودن نیز در گرو تبارشناسی دقیق است؛ زیرا ملاک نوآوری در تحقیق، توجهی موشکافانه به تاریخ علم و تولید علم، به معنای رسیدن به امری جدید در تاریخ علم است. نکته اساسی اینکه، وقتی به یافته تازه‌ای رسیدیم، ممکن است آن پدیده نوین، مسئله، نظریه یا روشی تازه باشد.

بخش هفتم

اقسام_مسئله

شاید بتوان مسئله را به فقهی، کلامی، فلسفی، روایی، تفسیری، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مانند آنها تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در اثر یک تبارشناسی درست صورت می‌پذیرد. البته گاهی تقسیم مسئله به اعتبار، پیشینه، شخصی بودن، علمی بودن، هدفمندی و مانند آن هم قابل توجیه است.

طرح_مسئله

بهترین راه طرح مسئله این است که در چند سطر اول به حقایق و واقعیت‌ها در قالب چند جمله خبری اشاره کنیم و پس از این مقدمه چینی ماهرانه، به شکلی طبیعی و منطقی، یک سؤال عمیق و نسبتاً کلی طرح کنیم. البته باید توجه داشته باشیم که انتقال از واقعیت‌های موجود به این پرسش، باید به صورت طبیعی انجام شود و به عبارتی، وصله ناجوری نباشد.

بایسته‌هایی درمورد انتخاب مسئله پژوهشی

در انتخاب مسائل پژوهشی، به نکته‌هایی باید توجه داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. پرهیز از دوباره کاری در تحقیقات و وفاداری به تحقیقات انجام شده پیشین؛
۲. مهم بودن مسئله تحقیق و ارزش بررسی داشتن آن (جدید و بدیع بودن موضوع، حد و مرز داشتن، مبهم نبودن و برخوردار بودن از اهمیت و اولویت)؛
۳. علاقه‌مندی، کنجکاوی و کشش علمی برای شناخت آن؛
۴. بهره‌مندی از آموزش لازم و برخوردار بودن از شرایط و توانمندی مناسب (متناسب بودن با توانایی، دانش و مهارت پژوهشگر)؛

۵. فراهم بودن اطلاعات برای سنجش و عملی بودن روش تحقیق؛

۶. وجود وسایل و امکانات، منابع و اسناد مورد نیاز تحقیق و اطمینان نسبی به موفقیت آمیز بودن آن؛

۷. پیش‌بینی مسائل، موانع، رویدادها و خسارت‌های احتمالی در رابطه با تحقیق؛
۸. وجود زمان لازم برای انجام تحقیق؛
۹. توجه به گنه و جنبه‌های مسئله تحقیق با عنایت به سؤال‌های زیر :
- ۱- ۹. آیا زمینه مسئله، گستردگی و ویژگی‌های آن با توجه به پیشینه تحقیق بیان شده است؟
 - ۲- ۹. آیا مسئله، دامنه مطالعه را محدود می‌کند؟
 - ۳- ۹. آیا مسئله قلمرو علمی تحقیق را مشخص می‌کند؟
 - ۴- ۹. آیا اهمیت مسئله، بر حسب یک یا چند ملاک زیر بررسی شده است :
الف) دستیابی به یک شیوه نو در اجرای امور؛
ب) تدوین یک نظریه؛
ج) عمومیت بخشیدن و گسترش دانش و نظریه‌های علمی؛
د) پاسخ‌گویی به مسائل جامعه؛
هـ) پیشبرد روش‌شناسی در تحقیق؛
 - ۵- ۹. آیا می‌توان در مورد آن فرضیه‌هایی مطرح کرد؟
 - ۶- ۹. آیا فرضیه‌های تحقیق، قابلیت جهت‌دهی و هدایت سامان‌مند به تحقیق را دارد؟
 - ۷- ۹. آیا متغیرهای پژوهش در آن مشخص است؟
 - ۸- ۹. آیا تعریف عملیاتی متغیرهای آن امکان‌پذیر است؟
- راه‌های انتخاب مسئله تحقیق**
- مسئله‌شناسی، ممکن است به یکی از طرق زیر انجام پذیرد :
- الف) تجارب شخصی؛
 - ب) کنجکاوی در اطلاعات منتشره از سوی رسانه‌ها؛
 - ج) بهره‌گیری از دانش تخصصی؛
 - د) تمایل به حل یک مسئله؛
 - هـ) بهره‌گیری از فرصت‌ها و تهدیدات پیش آمده؛
 - و) وقایع زندگی روزمره؛
 - ز) تأکید بر احیای ارزش‌های فردی؛
 - ح) مشاوره با متخصصان مجرب؛
 - ط) مراجعه به منابع و مقاله‌های تخصصی؛
 - ی) مراجعه به منابع الکترونیکی و محیط‌های مجازی؛
 - ک) بررسی قسمت انتهایی پایان‌نامه‌ها که دریچه‌های جدیدی از موضوع را گشوده‌اند.

بخش هشتم

از آنجایی که انتخاب مسئله تحقیق، از پیچیدگی و ابهام‌های بسیاری برخوردار است، بیشتر محققان در تشخیص مسئله دچار مشکل می‌شوند. این مشکل، هنگام پیدا کردن مسئله تحقیق، بیشتر خود را آشکار می‌سازد؛ زیرا در پژوهش‌های غیردانشجویی، بیشتر، سفارش‌دهنده تحقیق مسئله تحقیق را بیان می‌کند و یا اینکه مسئله در یک فرایند آسیب‌شناسی تعریف و تدوین می‌شود. اما پژوهشگران به هنگام انتخاب مسئله پایان‌نامه، خود معمولاً مرتکب چهار نوع اشتباه عمده می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. مسئله را بدون تحلیل جنبه‌های گوناگون آن، شتاب‌زده انتخاب می‌کنند؛

۲. بدون مطالعه منابع مرتبط با موضوع، مسئله‌ای را انتخاب می‌کنند؛

۳. پیش از انتخاب مسئله پژوهشی، روش اجرای تحقیق را مشخص می‌کنند؛

۴. به جای تعریف دقیق و روشن مفاهیم موجود در مسئله، آن را به صورت کلی توصیف می‌کنند.

به طور کلی، آنچه اهمیت دارد، این است که بدانیم در پی پاسخ‌گویی به چه مسئله‌ای هستیم و به عبارت دیگر، باید

مطمئن شویم که پیامدها و علایم یک مشکل را به عنوان مشکل اصلی در نظر نگرفته‌ایم.

بی‌شک، شناخت مسئله اصلی، بیش از حل مشکل اهمیت دارد؛ زیرا ممکن است هزینه و زمان بسیاری برای یک مشکل فرعی و کم‌اهمیت به کار گرفته شود. بنابراین، پیش از هر چیز باید اطمینان یافت که آنچه توجه ما را به خود جلب کرده، همان مشکل اصلی است یا تنها نشانه و علامتی است که باید از طریق آن، مشکل اصلی را ردیابی کرد.

بخش نهم

اولین سطح از مسئله، صورت مبهمی از آن است و به همین دلیل، به آن مسئله می‌گوییم. این مشکل نیاز به صورت‌بندی دقیق منطقی دارد تا به مسئله تبدیل شود. انتخاب موفق مسئله در گرو معیار و شاخصه‌های خاصی مانند: محدود و مشخص بودن، مقید بودن، مورد علاقه بودن، سازگار بودن با توانایی محقق، دارای ساختار درست و محدود بودن است (مانند رابطه‌ی توسل با توحید عبادی). اگر مسئله، کلی و یا دارای متغیرها و مفاهیم متعددی باشد، تفسیر نتایج آن دشوار خواهد بود. بنابراین، مسئله باید به گونه‌ای بیان شود که محدود باشد. کسی که درصدد مطالعه تطبیقی امامت در نزد معتزله، شیعه، اشاعره و اهل سنت است، خود را با مسائل بسیار متنوعی درگیر می‌کند. در چنین مواردی، صدها مسئله قابل تحقیق است و محقق، دچار سطحی‌نگری می‌شود. اما با محدود کردن موضوع و حصر توجه به یک یا چند مسئله، محقق می‌تواند به تحقیقی عمیق و دقیق دست بزند. مسئله باید نو، توجیه‌پذیر و از اولویت بالایی برخوردار باشد. مسائل نو، سبب تولید علم می‌شود. نوآوری محقق در طرح مسئله، شرط لازم تولید علم است. برای انجام یک کار دشوار و پیچیده، باید به مسئله تحقیق علاقه کافی وجود داشته باشد؛ زیرا هر گونه مواجهه منفعلانه یا خلاف‌علاق، کارایی تحقیق را به شدت کاهش می‌دهد، مسئله تحقیق نیز اگر با توانایی و امکانات محقق هم‌ساز نباشد به نتیجه دلخواهی نخواهد رسید.

مسئله باید واجد همه شرایط، قیدها، بندها و دامنه تحقیق نیز باشد. در واقع موضوع به خودی خود، ذو جانب است و شفافیت و وضوح خاصی ندارد، اما وقتی که به جنبه خاصی از آن توجه می‌کنیم، در واقع، موضوع را تحدید و به یک مسئله تبدیل کرده‌ایم. برای نمونه، مشکلی مانند تورم و بیکاری از موضوع‌هایی هستند که به تجزیه و تبدیل شدن به مسئله نیاز دارند. «بیکاری» یک مشکل است و مسئله‌ای به نام «جذب نشدن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به بازار کار» وجود دارد و پاسخ حدسی آن، «ناهماهنگی بین فارغ‌التحصیلان و نیازهای بازار کار» است. پس از بررسی‌های لازم این فرضیه در بستر عینی جامعه و دست‌یابی به نتیجه بررسی‌ها، می‌توان به نتایج تحقیق دست یافت و برای اصلاح، پیشنهادهایی را ارائه کرد. همچنین «طلاق» یک مشکل است و مسئله‌ای به نام «ازدیاد طلاق در زوج‌های جوان» وجود دارد و پاسخ حدسی آن، «صبور نبودن و تحمل نکردن سختی‌های پیش روی جوانان» است که پس از بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌ای و تحلیل نتایج آن، به درستی یا نادرستی فرضیه تحقیق پی می‌بریم و در نهایت، یافته‌ها و راهکارهای لازم را ارائه می‌کنیم.

بخش دهم

فرایند کلی یک مسئله پژوهش محور = مواجهه فعال با مشکل ← تبدیل مشکل به مسئله ← تدوین فرضیه ها یا پاسخ حدسی محقق به مسئله ← آزمون فرضیه ← نظریه یا پاسخ نهایی محقق به مسئله

با توجه به این فرایند، اگر مسئله یابی نشود و تنها با موضوع محوری، کار پژوهش به انجام برسد، این کار تنها می تواند مقدمه ای باشد برای پژوهش های مسئله محور؛ زیرا پژوهش های موضوعی، کمتر به تولید علم می انجامد؛ زیرا جنبه های بسیاری دارد و پرداخت، کلی است. در حقیقت، موضوع پژوهی، بیشتر برای آموزش و اطلاع رسانی ترویجی مناسب است. ناگفته نماند حتی در موضوع محوری هم از نظر مکان، محل، زمان و لایه بندی و تبارشناسی می توان آن را محدود و با دقت بیشتری روی آن تحقیق کرد. موضوع را می توان با طرح سؤال محدود کرد و پرسش ها اگر خوشه ای و زنجیروار باشند، موضوع بهتر تحدید می شود. سؤال ها را می توان به ترتیب مفهومی، توصیفی، توجیهی، تبیینی، تطبیقی، نقدی و راهبردی چیدمان کرد.

بخش یازدهم

برخی از ویژگی‌های مسئله تحقیق عبارت‌اند از:

۱. محدود و مشخص بودن

مسئله باید محدود و مشخص باشد و مؤلفه‌های مفهومی آن نیز به شکلی آشکار و متمایز تعریف پذیر باشد. هر گونه ابهامی در صورت مسئله، موجب انحراف در فرایند پژوهش می‌شود. برای محدود کردن موضوع، می‌توان سؤال‌هایی را طرح کرد تا موضوع به مسئله خاصی محدود شود. اگر مسئله، کلی و یا دارای متغیرها و مفاهیم متعددی باشد، تفسیر نتایج آن مشکل خواهد بود. بنابراین، باید مسئله محدود و مشخص باشد. دانش پژوهی که می‌خواهد ولایت را نزد شیعه و مذاهب اربعه اهل سنت به صورت تطبیقی بررسی کند، خود را با مسائل بسیار متنوع درگیر می‌کند. در این حال، بایستی دامنه موضوع را محدود و از زوایای خاص، مانند «مأذون بودن در شفاعت، از دیدگاه فریقین» پژوهش را به انجام برساند.

۲. تازه بودن

مسئله باید نو و تازه باشد؛ به طوری که برای بررسی مجدد آن، توجیه کافی وجود داشته باشد. ضرورت‌های اجتماعی و اولویت معرفتی، دو معیار مهم در تشخیص این امر و انتخاب مسئله‌ای جدید هستند. نوآوری محقق در طرح مسئله، شرط لازم تولید علم است.

در عرف پایان‌نامه‌نویسی، تحقیقی تکراری تلقی می‌شود که ریز موضوع‌های آن با ریز موضوع‌ها و مباحث تحقیقات پیشین، یکسان و دستاورد جدیدی به همراه نداشته باشد. پرداختن به موضوع‌های تکراری، فایده و حاصلی ندارد. بنابراین، شایسته است که رویکرد محقق به موضوع‌ها نو و ابتکاری باشد.

۳. مورد علاقه بودن

هر گونه مواجهه منفعلانه و یا خلاف علائق، کارآیی تحقیق را کاهش و آن گونه که باید و شاید، ابعاد مسئله مورد واکاوی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا محقق، انگیزه کافی برای انجام کار ندارد.

بی‌تردید، انجام تحقیق با دشواری‌های فراوانی همراه است؛ به طوری که سختی و پیچیدگی، انگیزه انسان را برای ادامه کار کاهش می‌دهد و این امر زمانی تشدید می‌شود که موضوع مورد بررسی، مطابق علائق و سلیقه محقق نبوده و او از ابتدا، موضوع را متناسب با روحیات و علاقه‌مندی‌های خود برنگزیده باشد.

۴. هماهنگی با توانایی‌های محقق

تجدید دامنه تحقیق، مرحله بندی پژوهش و افزایش آموزش‌های پیش نیاز رساله، تدابیری مهم، در جهت انطباق بیشتر توانایی‌های محقق با مسئله تحقیق است. اگر مسئله به گونه‌ای باشد که کار گروهی و مشارکتی را می‌طلبد، باید به همان سمت و سو رهنمون شود.

محقق باید با توجه به سوابق مطالعه و توانایی علمی خود، به انتخاب موضوع بپردازد. به طور معمول، پژوهندگان مبتدی، به متن پژوهی نقادانه و یا مسئله پژوهی به معنای خاص آن در موضوع‌های مستحدثه، ناآشنا و ناتوان‌اند.

۵. ساختار مناسب داشتن

مسئله را باید با تعبیری دقیق و ساختار درست بیان کنیم و از ایجاد هر گونه ابهامی بپرهیزیم. اگر انتخاب موضوع یا مسئله، به درستی انجام شود، دستیابی به اهداف ممکن خواهد شد. در غیر این صورت، با انتخابی اشتباه، دچار سردرگمی و حیرانی خواهیم شد. برای نمونه:

موضوع‌های پژوهشی زیر از جمله عناوینی هستند که به درستی انتخاب نشده و دارای نقاط ضعف و نارسایی هستند. متأسفانه در برخی از موارد به دلایلی به تحدید موضوع تحقیق توجه کافی صورت نمی‌گیرد و چه بسا در مواردی دیده شده که همین عناوین کلی موضوع تحقیق قرار گرفته‌اند:

الف) بررسی و تحلیل آموزش در ایران و جهان

این موضوع، محدودیت نداشته و بسیار کلی است؛ زیرا با چهار مشکل زیر مواجه است:
یک - مشخص نیست چه مقطع آموزشی مورد نظر است؛ آموزش را می‌توان در مقاطع پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی و دبیرستان و عالی بررسی کرد.

دو - مشخص نیست که کدام زمینه یا بُعد آموزشی مورد نظر است؛ آموزش را می‌توان از منظر اُفت تحصیلی، ترک تحصیل، حجم، ابعاد و عوامل، تجهیزات و لوازم کمک آموزشی و نحوه کاربرد آنها بررسی کرد. همچنین به نسبت فراگیران و مربیان و ویژگی‌های اساسی آنها همچون: سن، جنس، میزان تحصیلات و سابقه خدمت و میزان فعالیت‌های علمی و... نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

سه - مشخص نیست که آموزش، در کدام دوره در ایران مورد توجه محقق است؛
چهار - مشخص نشده که منظور از جهان، کدام کشور یا کشورهاست.

ب) تاریخ تمدن اسلامی

به این موضوع نیز اشکال‌های زیر وارد است:

یک - مشخص نشده که کدام مقطع از تاریخ تمدن اسلامی مورد نظر است؛

دو - تاریخ تمدن را از دیدگاه کدام یک از مکاتب اسلامی مورد مطالعه قرار می‌دهد؛

سه - تاریخ تمدن اسلامی در کدام دوره مورد توجه است؛

چهار - تمدن اسلامی در تاریخ کدام کشور یا کشورهای اسلامی مورد نظر است؛

پنج - مشخص نکرده که چه مسئله‌ای را در طول تاریخ تمدن اسلامی جست و جو می‌کند.

ج) پیوند تاریخ و حدیث

این هم عنوانی مبهم است؛ زیرا افراد، تفاسیر گوناگونی از آن خواهند کرد. هر دو واژه تاریخ و حدیث به شکلی مبهم به کار رفته است. آیا مراد از حدیث، حدیث مصطلح اهل سنت است یا شیعه؟ و تاریخ، مربوط به کدام ادوار است و در کدام حیطة و گستره جغرافیایی باید مورد توجه قرار گیرد؟!

با تجزیه یک مشکل به ابعاد آن، بهتر و سریع‌تر می‌توان از این نقیصه‌ها رهایی یافت؛ برای نمونه، در همین موضوع

اخیر، ابعاد مشکل را می‌توان چنین در نظر گرفت:

یک - تأثیر فهم تاریخی بر فهم حدیث؛

دو - تأثیر فهم حدیثی بر فهم تاریخی؛

سه - تأثیر روش شناختی علم حدیث (روش اسناد روایی) بر تاریخ‌نگاری؛

چهار - تأثیر اسنادی تاریخ‌نگاری آغازین در دوره اسلامی از حدیث.

در ضمن، باید به دوره مورد مطالعه و نظرگاه یک مکتب خاص نیز توجه داشت تا با تمرکز بخشی به تحقیق، از

پراکندگی‌های احتمالی جلوگیری شود.

بخش دوازدهم

در مرحله نگارش، ناگزیر به پیمودن مراحل چهارگانه هستیم:

الف) مقدمه: آغاز دل‌پذیری است که ذهن خواننده را برای ورود به بخش اصلی و بدنه مقاله یا نوشتار آماده می‌سازد.

ب) متن یا بدنه: حاوی مهم‌ترین و اصلی‌ترین مطالب مقاله است. نویسنده در این بخش، استدلال علمی خود را در جهت رد و اثبات فرضیه نخستین ارائه می‌دهد.

ج) نتیجه پایانی: در انواع مقالات، ممکن است نتیجه‌گیری‌ها کمی با هم متفاوت باشد، اما ضرورت وجود نتیجه‌گیری در هر تحقیقی انکارناپذیر است. این نتایج باید روشن، صریح و قابل دفاع و مستدل بوده و از حدس و گمان به دور باشد.

د) مستندسازی مقاله یا نوشته علمی: در نگارش مقاله به خصوص مقاله‌های تحقیقی باید از حدس و گمان و تخیل یا تکیه بر گفته‌ها و شنیده‌های غیر موثق، بدون منبع و تحقیق نشده جدا پرهیز کرد. نویسنده باید امانت‌داری را رعایت کند و خود را از اتهام سرقت ادبی و انتحال دور نگه دارد و در نهایت، با ذکر نشانی دقیق منبع، راه پژوهش را برای خوانندگان فراهم آورد.

بخش سیزدهم

مزیت‌های_تهیه_طرح_تحقیق

طرح پژوهشی به محقق امکان می‌دهد تا در مراحل تحقیق، به عنوان یک نقشه نظام‌دار از آن پیروی کند و در نهایت، ارزیابی تحقیق نیز براساس آن صورت می‌گیرد. طرح پژوهشی به ساده‌ترین بیان، نقشه اولیه پژوهش است که چارچوب نظری آن را به دقت ترسیم می‌کند.

همان‌طور که می‌دانیم پژوهش، فرایند حل مسئله است. محقق برای رسیدن به پاسخ مسائل پژوهش، نقشه تحقیقاتی را طراحی می‌کند که شامل سه عنصر اساسی برنامه، ساختار و استراتژی پژوهش است.

مراد از برنامه، الگوی کلی و فراگیری است که همه آنچه به وسیله محقق انجام خواهد شد، از نوشتن فرضیه‌ها و دلالت‌های ضمنی آنها تا تحلیل نهایی داده‌ها را شامل می‌شود.

ساختار پژوهشی، الگویی است که صورت‌بندی، شاکله و نمای کار را نشان می‌دهد. استراتژی پژوهش نیز روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها را در بر می‌گیرد و چگونگی دستیابی به هدف‌های تحقیق را بیان می‌کند و نیز روش حل مسائل و موانع و دشواری‌هایی که در حین اجرای پژوهش احتمالاً به میان می‌آیند را روشن می‌سازد. اما فرایند تحقیق مانند پروژه ساختمانی است که از سه مرحله تشکیل می‌شود.

۱. طراحی نقشه و طرح؛

۲. تهیه مواد اولیه و ابزارهای مناسب؛

ج) ساختن بنا.

پروژه‌های تحقیقاتی نیز شامل: «طراحی نقشه و طرح پژوهشی»، «اجرای پروژه» (گردآوری اطلاعات و پردازش آنها) و «تدوین گزارش تحقیق» اند.

در واقع، کسانی که در تدوین پایان‌نامه به کام‌یابی و اثربخشی رسیده‌اند، در مقام طراحی نقشه پژوهش از خلاقیت، ابتکار و دقتی کافی برخوردار بوده‌اند. تأثیر طرح تحقیقاتی در کارآیی و اثربخشی پایان‌نامه، جنبه‌های گوناگونی دارد. هر گونه ابهام یا اهمال در طراحی و تکمیل کاربرد طرح تحقیقاتی، سبب نقصان در اصل تحقیق می‌شود. یکی از دانشمندان می‌گوید که اگر مرا مأمور قطع درخت تنومندی کنند و برای این کار هشت ساعت فرصت دهند، شش ساعت آن را صرف تیز کردن تبر می‌کنم. این سخن اهمیت درنگ و تأمل در طراحی نقشه پژوهش را آشکار می‌سازد. مگر نه اینکه اگر کسی بدون بصیرت کافی، در مورد امری، اقدام کند، مانند کسی است که در بیراهه، راهپیمایی می‌کند.

طراحی دقیق طرح پژوهشی، بسیاری از آفت‌ها و عوارض زیانبار را پیش‌گیری و درمان می‌کند.

ناگفته نماند که هر رساله علمی باید:

الف) پاسخ‌گوی شبيهه و یا حل مسئله و یا دست‌کم همراه با تتبع و ارایه یافته‌های جدید باشد؛

ب) نوآوری و ابتکار و طرحی نو داشته باشد؛

ج) ضمن سلیس و روان بودن، به زبان و ادبیات علمی بیان شود؛

د) ساختاری روش‌مند و مقبول داشته باشد.

برای دستیابی به چنین پایان‌نامه‌ای، نگارنده رساله باید چهار مرحله اساسی را طی کند:

۱. تهیه طرح تحقیق؛

۲. جمع‌آوری اطلاعات با مطالعه و تتبع؛

۳. ترکیب و تدوین مطالب با رعایت قواعد علمی و مورد پذیرش مجامع علمی؛

۴. تدوین مطالب در قالب رسمی یک پژوهش.

بخش چهاردهم

در طرح تحقیق، پژوهشگر باید ابتدا به روشنی قلمرو و محدوده موضوع تحقیق که در واقع، همان سؤال اصلی تحقیق است را توضیح دهد و بگوید درصدد حل چه مشکل و پاسخ‌گویی به چه پرسشی است. طرح پژوهشی، هم ترتیب زمانی هر فعالیت را مشخص می‌کند و هم چگونگی انجام فعالیت‌ها را به نوعی توضیح می‌دهد. از این گذشته، بر اساس کیفیت طرح تحقیق، توانایی و درجه علمی پژوهشگر نیز مشخص می‌شود و همچنین با هم‌فکری و مشاوره علمی، از ابتدا کاستی‌های طرح برطرف و به وزانت علمی کار در پرتو خرد جمعی افزوده می‌شود. بنابراین، در فرآیند پایان‌نامه‌نویسی آماده کردن طرح تحقیق، گامی مهم و اساسی در طرح پیشنهادی است. دانش‌پژوه باید بداند که:

۱. آیا این موضوع، ارزش بررسی و تحقیق را دارد؟
۲. آیا من توانایی لازم برای انجام تحقیق (مورد نظر) را دارم؟
۳. آیا میل و علاقه‌ای به انجام این تحقیق دارم؟
۴. آیا منابع و اطلاعات کافی درباره این پژوهش در دسترس است؟
۵. آیا می‌توان استادی مسلط و متخصص برای هدایت پایان‌نامه به سمت نتیجه‌ای مطلوب را انتخاب کرد یا خیر؟ و... مسائل کاربردی و نظری بسیاری وجود دارد و ارزش هر موضوعی می‌تواند بر مبنای هدفی که دنبال می‌شود مورد قضاوت قرار گیرد. بهتر است موضوع پایان‌نامه‌ها با مسائلی مرتبط باشد که در حوزه‌های تخصصی وجود دارد. در مرحله موضوع‌یابی، توانایی دانش‌پژوه، نیاز جامعه، دسترسی به استادی شایسته، آشنایی با موضوع و مهم بودن آن، علاقه‌مندی به موضوع و اطمینان از دستیابی به اطلاعات از طریق مراجعه به منابع و دستگاه‌های ذیربط و از همه مهم‌تر، مرتبط بودن موضوع انتخابی با رشته تحصیلی دانشجوی، باید در نظر گرفته شود. استاد راهنما و کمیته علمی تحصیلات تکمیلی، موظفانند با بررسی‌های پیشین، افق روشنی را برای انتخاب موضوع فرا راه دانشجویان قرار دهند. ارتباط اعضای این کمیته علمی با اعضای گروه‌های آموزشی و پژوهشی و با پیشرفت‌های علمی در سطح کشور و جهان و سازمان‌های علمی، پژوهشی و کاربردی می‌تواند در تقویت این امر مؤثر باشد.

بهتر است که سازمان‌های علمی - پژوهشی، فهرستی از زمینه‌های مورد علاقه و اولویت‌های کاری خود را در اختیار طلاب عالم و فرهیخته قرار دهند تا ارتباط وثیقی بین پژوهش‌ها و به‌کارگیری آنها در عرصه‌های مورد نیاز و کاربردی فراهم آید. در واقع، طرح تحقیق پژوهشگر، برنامه اجرایی مشخصی برای انجام طرح است. این طرح، همانند قطب‌نما جهت‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد. با تأیید طرح پژوهشی، بسیاری از اختلاف‌های ضمن کار کاهش می‌یابد. با طرح تحقیق، زمان بندی کار تنظیم و هر کدام در وقت خاص خود انجام می‌شود. پژوهشگر برای نوشتن طرح تحقیق نباید انتظار داشته باشد که آن را در کوتاه‌ترین زمان ممکن تدوین کند، بلکه گاهی لازم است چندین بار قالب طرح را در هم بریزد و یا با یافتن محتوایی نو، فصولی را بیفزاید یا فصلی را بردارد و یا چینش فصول را در هم بریزد تا بتواند به اسلوب و طرح قابل قبولی دست یابد. پژوهشگر برای تهیه طرح، می‌تواند به شیوه زیر عمل کند:

آنچه در ذهنش خطور می‌کند و قرار است یادداشت کند، بدون تقدم و تأخر ثبت کند؛ ۲. کارهای پیش رو را در عبارت یا سطر می‌نویسد؛ ۳. با کاوش ذهنی دریابد که چه چیزی را از قلم انداخته است؛ ۴. عبارت‌ها و محتوا را منظم کند؛ ۵. به فکر تهیه فصل و زیرفصل‌ها باشد و آنگاه آن را مرتب کند؛ ۶. با استفاده از نشانه‌گذاری‌ها با حروف یا عدد، عناوین اصلی و فرعی هر فصل و زیرفصل را مشخص کند.

بخش پانزدهم

ارکان_طرح_تحقیق

به طور معمول، طرح‌های تحقیقاتی در کاربرگ‌های از پیش تعیین شده، ارائه می‌شود که باید براساس آنها اقدام کرد. عناصر علمی طرح پژوهشی که در حقیقت، از ارکان اصلی پژوهش‌اند و باید در یک طرح تحقیقی لحاظ شوند، عبارت‌اند از:

۱. عنوان فارسی/ انگلیسی؛ ۲. کلید واژه (واژگان کلیدی)؛ ۳. بیان مسئله و تعیین قلمرو آن؛ ۴. سؤال‌های تحقیق؛ ۵. چارچوب نظری؛ و فرضیه تحقیق؛ ۶. پیشینه تحقیق؛ ۷. روش تحقیق؛ ۸. ضرورت تحقیق؛ ۹. زمان‌بندی؛ ۱۰. موانع و محدودیت‌های تحقیق؛ ۱۱. ساختار و فصل‌های پژوهش نامه؛ ۱۲. منابع پژوهش (فهرست منابع).

راهنمای_تهیه_گزارش_تحقیق

گزارش تحقیق، خلاصه‌ای از گفتارها و نوشتارهایی است که قبلاً درباره موضوع معینی به رشته تحریر درآمده است. در واقع، هر گزارش پژوهشی که برای منظوری تهیه می‌شود، مطابق الگوی زیر از چهار بخش تشکیل شده است. البته الگوی اول، برای تحقیقات تجربی با رویکرد میدانی نوشته شده است و در قسمت پایانی به نحوه تهیه گزارش در تحقیقات کتاب‌خانه‌ای خواهیم پرداخت.

بخش شانزدهم

۱. مقدمه

مقدمه کامل همان طور که خط مشی پژوهشی را تعیین می کند، اطلاعات روشن و دقیقی درباره آنچه موضوع مورد پژوهش انجام داده است و همچنین علت آن را به خواننده بازگو می کند. یک مقدمه خوب باید پاسخ گوی سؤالات زیر باشد:

الف) دلیل منطقی از اجرای پژوهش چیست؟

ب) چه ارتباط منطقی بین مسئله و طرح پژوهشی وجود دارد؟

ج) دلایل نظری که در پژوهش وجود دارد، چیست؟

د) چگونه این پژوهش با پژوهش های قبلی در ارتباط است؟

۲. مطالعه منابع مربوط به موضوع مورد تحقیق

بیشتر پژوهشگران، پژوهش خود را با بحث درباره مطالعاتی آغاز می کنند که قبلاً خود یا دیگران در زمینه موضوع مورد مطالعه انجام داده اند. مطالعه منابع مربوط به موضوع پژوهش، چکیده ای از پژوهش های انجام شده است. توجه داشته باشید در این قسمت، نیاز به ذکر جزئیات تحقیقات گذشته نیست. البته گاهی اوقات پژوهشگر، پژوهشی را گزارش می کند که کاملاً جدید است و با پژوهش های انجام شده قبلی ارتباط ندارد. مطالعه منابع مربوط به موضوع تحقیق، خواننده را با کارها و زمینه های قبلی و همچنین با حیطه موضوع مورد مطالعه آشنا می سازد. توجه داشته باشید مطالعه منابع نباید فقط شامل ذکر خلاصه هایی از تحقیقات انجام شده باشد. بهتر است که پژوهشگر عقاید خود را درباره معایب و محاسن پژوهش هایی که مطالعه می کند، ذکر کند. در تنظیم مطالعه منابع مربوط به موضوع مورد تحقیق باید به سؤالات زیر توجه داشته باشید:

الف) آیا پژوهش های انجام شده با موضوع مورد پژوهش ارتباط دارند؟

ب) آیا از ذکر جزئیات غیر ضروری خودداری شده است؟

ج) آیا در نتیجه گیری پژوهش، یافته ها و روش های به کار رفته، تأیید شده است؟

د) آیا ارتباط منطقی بین پژوهش های انجام شده و پژوهش مورد نظر نشان داده شده است؟

ه) آیا مطالعه منابع گذشته به صورت تقویمی انجام شده است؟

۳ و ۴. بیان مسئله و بیان هدف

پژوهشگر بعد از مطالعه منابع مربوط به موضوع تحقیق، مسئله و هدف را به روشنی بیان می کند. بیان هدف یا هدفها یکی از قسمت های مهم پژوهش است؛ زیرا این قسمت از تحقیق مشخص می کند که محقق در جست و جوی چه چیزی است. بدون بیان هدفها، امکان ارزش یابی از کار محقق وجود ندارد. نتیجه گیری هر پژوهش به یافته های آن بستگی دارد و این امر بدون بیان هدفها امکان پذیر نیست.

۵ و ۶. فرضیه و تعریف متغیرها

فرضیه عبارت است از انتظارات پژوهشگر درباره نتایج آینده پژوهش خود. وی پس از مطالعه تحقیقات انجام شده و تدوین مسئله به صورت دقیق و روشن، سؤال پژوهشی را با عنایت به ملاک های معین و مشخص به صورت فرضیه بیان می کند. پژوهشگر در پایان این قسمت از گزارش تحقیق، متغیرهایی را که در فرضیه بیان کرده است، به صورت عملیاتی تعریف می کند.

در این قسمت از گزارش، پژوهشگر آنچه را انجام داده است یا به عبارت دیگر، آنچه را از آزمودنی‌ها خواسته است تا انجام دهند، شرح می‌دهد. اطلاعاتی که در این قسمت ذکر می‌شود، باید به نحوی باشد که خواننده پس از مطالعه بتواند عیناً آن را تکرار کند.

۱. آزمودنی‌ها

پژوهشگر در این قسمت، همه آزمودنی‌ها، ترکیب آنها به صورت گروهی و چگونگی انتخاب آنها را شرح می‌دهد. به عبارت دیگر، این قسمت از گزارش باید مشخص کند چند نفر آزمودنی در تحقیق مشارکت داشته‌اند. این عده چه کسانی هستند و چگونه انتخاب شده‌اند؟ آیا آنها را به صورت تصادفی از یک جامعه معین و تعریف شده، انتخاب کرده است؟ آیا آزمودنی‌ها داوطلبانه در تحقیق مشارکت کرده‌اند؟ چنانچه در پژوهش از زیرگروه‌هایی استفاده شده است، روشی که بر اساس آن، آزمودنی‌ها در زیرگروه‌ها جایگزین شده‌اند، باید توضیح داده شود. به همین ترتیب، تعداد اعضای زیرگروه‌ها باید ذکر شود. (این در تحقیقات تجربی و میدانی انجام می‌شود)

۲. طرح پژوهشی

پژوهشگر در بسیاری از پژوهش‌ها مجبور است آزمودنی‌ها را به دو یا چند گروه تقسیم کند تا هر گروه را در معرض متغیرهای مختلف قرار دهد. برای مثال، در طرح، گروهی در معرض متغیر مستقل (آزمایش) قرار می‌گیرد و گروه دیگر در معرض این متغیر قرار نمی‌گیرد (کنترل). طرح تحقیق در حقیقت به روشی اطلاق می‌شود که گروه‌های تحقیق به کمک آن تعیین و تنظیم می‌شوند؛ چون طرح تحقیق ارتباط نزدیکی با تجزیه و تحلیل آماری دارد. این قسمت از گزارش در برخی از مجلات تحت عنوان روش‌های آماری یا تجزیه و تحلیل آورده می‌شود.

۳. ابزار اندازه‌گیری

ابزار به وسیله یا وسایلی اطلاق می‌شود که از طریق اجرای آنها، اطلاعات جمع‌آوری می‌شود. شایان ذکر است که ابزار تنها به وسایل و تجهیزات اطلاق نمی‌شود، بلکه شامل همه مواردی است که پژوهش اقتضا می‌کند. برخی از پژوهشگران، ابزار به کار رفته را تحت عنوان تدارکات و لوازم پژوهش توصیف می‌کنند.

۴. روش جمع‌آوری اطلاعات

در این قسمت از گزارش، پژوهشگر نحوه اجرای پژوهش را توضیح می‌دهد. در این توضیح، او باید فعالیت‌هایی را که آزمودنی انجام داده است و همچنین آزمون‌های اجرا شده را شرح دهد. به منظور دستیابی به این هدف، پژوهشگر باید پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

الف) پژوهش در کجا انجام شده است؟

ب) چه کسی پژوهش را انجام داده است؟

ج) آزمودنی‌ها فعالیت‌های پژوهشی را در چه مدت انجام داده‌اند؟

د) آیا آزمودنی یا آزمودنی‌هایی وجود داشته‌اند که مشارکت خود را در پژوهش تا آخر ادامه نداده باشند؟

مرحله سوم: بحث و نتایج

سومین بخش گزارش تحقیق، بحث درباره نتایج است. این قسمت از گزارش به تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، اختصاص دارد. به عبارت دیگر، در این قسمت، پژوهشگر نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده را توضیح می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع‌آوری شده را می‌توان به یکی از صورت‌های زیر گزارش داد:

الف) به صورت نثر و با استفاده از جملات مناسب؛

ب) خلاصه و طبقه‌بندی کردن نتایج در جدول.

۱. یافته‌های پژوهش

این قسمت از گزارش با یک پاراگراف که محتوای آن عبارت است از تعریف متغیر وابسته و آزمون‌های آماری به کار برده شده در تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، مشروع می‌شود. چنانچه در تجزیه و تحلیل از یک روش یا آزمون استثنایی استفاده شده است، این روش یا آزمون باید شرح داده شود. در این قسمت، برای خلاصه کردن و طبقه‌بندی داده‌های تجزیه و تحلیل شده، از جدول استفاده می‌شود. برای هر جدول باید عنوان و شماره مناسبی انتخاب کرد.

۲. بحث درباره یافته‌ها

این قسمت از چند پاراگراف تشکیل شده است. معمولاً تعداد پاراگراف‌ها برابر با تعداد متغیرهای وابسته‌ای است که در پژوهش وجود دارد و به عبارت دیگر، در این قسمت، هر یک از متغیرهای وابسته در یک پاراگراف بررسی می‌شوند. محتوای هر پاراگراف عبارت است از نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر نتایج آنها. در تفسیر باید معنی یافته و دلایل به دست آمدن آنها ذکر شود. سرانجام یافته را باید با نتایجی که در مطالعه منابع مربوط به موضوع تحقیق آمده است، مقایسه کرد. باید توجه داشت که قسمت اخیر اهمیت زیادی دارد.

۳. محدودیت‌ها

پژوهشگر در این قسمت، همه عواملی را که ممکن است قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش را کاهش داده باشند، تفسیر و فهرست‌بندی می‌کند. در حقیقت، پژوهشگر باید به ارزش‌یابی تأثیر محدودیت‌ها روی نتایج، اشاره کند.

۴. پیشنهادها و کاربردها

در این قسمت، از اهمیت یافته‌های تحقیق بحث می‌شود. پژوهشگر بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای لازم را با موارد استفاده آنها ذکر می‌کند. باید توجه داشت که پیشنهادهای اجرایی یا نظری خود پژوهشگر نیز در این قسمت مطرح می‌شود.

مرحله چهارم: خلاصه و نتیجه‌گیری

آخرین قسمت از گزارش تحقیق از سه تا پنج صفحه چکیده تحقیق و نتایجی که به دست آمده، تشکیل شده است. در این قسمت، به صورت خیلی فشرده، مسئله، فرضیه، روش اجرا و نتایج به دست آمده بیان می‌شود. در پایان، نتایجی که بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها حاصل شده‌اند، فهرست‌بندی می‌شود.

۱. منابع

منابع گزارش تحقیق شامل فهرستی از کتاب‌ها و مقالاتی است که پژوهشگر در پژوهش خود از آنها استفاده کرده است و آنها را به صورت الفبایی تهیه و تنظیم می‌کند. در تهیه و تنظیم این فهرست باید همه اطلاعات کتاب‌شناسی گنجانده شود.

۲. ضمایم

گاه‌گاهی بد نیست اطلاعات بیشتری هم به گزارش تحقیق اضافه شود. یک ضمیمه ممکن است شامل تصویری از مجموع اطلاعات جمع‌آوری شده، دستورهای داده شده به آزمودنی یا اطلاعات خامی باشد که برای پژوهشگران دیگر، مفید باشد. فایده تهیه ضمایم، فراهم کردن زمینه‌ای برای تکرار پژوهش است. در بیشتر موارد، استفاده از ضمایم موجب می‌شود مجموعه گزارش، روان‌تر از موقعی خوانده شود که اطلاعات اضافی در خود متن گنجانده شود. (دلور، ۱۳۷۶، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و تربیتی)

بخش هفدهم

اجزای اصلی یک گزارش تحقیق

در مورد دیگر پژوهش‌های غیر میدانی و تجربی به روش زیر می‌توان عمل کرد. این روش را در تحقیقات اسنادی و کتابخانه‌ای می‌توان به کار گرفت:

۱. صفحه اول (روی جلد) شامل: نام، عنوان تحقیق، مجری یا مجریان، تاریخ اجرا؛
۲. فهرست؛
۳. خلاصه یا چکیده (بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) شامل: مقدمه، هدف، روش کار و نتیجه؛
- مقدمه شامل بیان مسئله، اطلاعات زمینه‌ای، تحلیل مسئله، مرور و بررسی‌های قبلی، اهداف، روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات است.
۴. یافته‌ها: آنچه که از طرح پژوهش به دست آمده است؛
۵. بحث و نتیجه‌گیری: شامل مهم‌ترین یافته‌ها، نقاط قوت و ضعف تحقیق، محدودیت‌ها و مشکلات موجود هنگام پژوهش است. اشاره کردن یا مقایسه نتیجه این تحقیق با مطالعات دیگران و نتیجه‌گیری نهایی نیز در این بخش می‌گنجد.
۶. پیشنهادهای؛
۷. فهرست مراجع؛
۸. ضمائم.

بخش هجدهم

مراحل تحقیق در پایان‌نامه‌نویسی

مراحل تحقیق به مرحله عمومی و اختصاصی تقسیم‌بندی می‌شوند:

اول) مراحل عمومی تحقیق

تحقیقات برای اجرایی شدن، باید این سه مرحله را پشت سر بگذارند:
الف) طراحی؛ ب) اجرا؛ ج) نگارش.

الف) طراحی

در این مرحله، محقق برای تهیه و تصویب طرح، فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد:

- یک: انتخاب موضوع؛ دو: انتخاب استادان راهنما و مشاور؛ سه: تعریف موضوع؛ چهار: انتخاب عنوان؛
پنج: تعریف مصطلحات؛ شش: منبع‌شناسی؛ هفت: مطالعه پیشینه تحقیق؛ هشت: مطالعه ریزموضوع‌ها؛ نه:
تحدید ریزموضوع‌ها؛ ده: تنظیم ریزموضوع‌ها؛ یازده: تعیین روش تحقیق؛ دوازده: زمان‌بندی؛ سیزده: تکمیل
فرم طرح تحقیق؛ چهارده: تأیید استادان راهنما و مشاور؛ پانزده: تصویب کمیته تحصیلات تکمیلی.

ب) اجرا

در این مرحله، اطلاعات لازم گردآوری می‌شود و با بررسی آنها، تجزیه و تحلیل لازم صورت می‌گیرد. در حقیقت، این بخش در دو مرحله انجام می‌شود:

یک: گردآوری و تتبع؛ دو: اندیشه‌ورزی یا تدبیر.

در مرحله گردآوری، به کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های تخصصی مراجعه و منابع مورد نیاز واکاوی و از آنها یادداشت‌برداری می‌شود. سپس، دسته‌بندی اطلاعات گردآوری شده، سامان‌دهی می‌شوند و در مرحله دوم، بر روی این یافته‌ها بررسی‌های فکری و ژرف‌نگری مدبرانه‌ای به عمل می‌آید. ناگفته نماند که روش اجرایی در مطالعات میدانی متفاوت است که در جای خود بیان شده است.

ج) نگارش

این مرحله در سه فاز صورت می‌گیرد:

یک: چرک‌نویس؛ دو: بازبینی؛ سه: پاک‌نویس.

در مرحله چرک‌نویس، مطالب بدون وسواس و بازنگری نوشته یا تایپ می‌شوند. در مرحله بازبینی، مطالب چند بار مرور و کار ویرایش انجام می‌شود و سرانجام در مرحله پاک‌نویس یا تایپ پایانی، اصلاحات را لحاظ می‌کنند. در حال حاضر، استفاده از نرم‌افزار «فیش‌نویس»، (one note یا تایپ در محیط (word) توصیه می‌شود.

پیش‌نیازهای تحقیق عمومی

بعضی از پیش‌نیازهای تحقیق که در مرحله عمومی تحقیق انجام می‌گیرد، عبارت‌اند از:

۱. انتخاب استادان راهنما و مشاور

به طور معمول، «استاد راهنما» با پیشنهاد محقق و «استاد مشاور» با پیشنهاد استاد راهنما انتخاب می‌شود هر چند که امروزه این رویه متداول نیست. انتخاب این اساتید پس از تأیید کمیته تحصیلات تکمیلی قطعیت می‌یابد. این اساتید در تمام مراحل تحقیق، اعم از طراحی، اجرا و نگارش، راهنمایی و نظارت دارند و در کنار محقق خواهند بود. بنابراین، ضروری است که طرح تحقیق، با کمک و مشورت آنها تهیه شود.

مهم‌ترین شرایط و وظایفی که این اساتید باید داشته باشند، عبارت‌اند از:

الف) احاطه و اشراف علمی در رشته مربوط به موضوع تحقیق؛

ب) برخورداری از سابقه پژوهشی و آشنایی لازم به روش تحقیق؛

ج) تأیید موضوع تحقیق انتخابی محقق؛

د) کمک و انجام مشاوره با محقق در تهیه طرح؛

ه) راهنمایی و نظارت مستمر بر حسن اجرای تحقیق؛

و) تأیید و امضای اتمام تحقیق در چارچوب طرح مصوب.

۲. انتخاب موضوع

در این مرحله، با همیاری استاد راهنما و مشاور، باید بررسی کرد که چگونه و با مراجعه به چه منابعی برای شناسایی و انتخاب موضوع باید اقدام کرد و کدام موضوع، شایسته بررسی است. (هر موضوعی، ارزش پژوهش را ندارد.) یک موضوع قابل پژوهش، باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

الف) سودمند و نتیجه بخش بودن

ممکن است تحقیقی در عین نوآمد بودن، مشکل مهم علمی یا کاربردی‌ای را حل نکند. بنابراین، شایسته است موضوع انتخابی، در صدد برطرف ساختن نیازهای علمی و کاربردی باشد.

ب) تناسب با فرصت محقق

گاهی بعضی از تحقیقات در محدوده زمانی معینی باید انجام شوند و پژوهشگر نیز به علت درگیری‌های شخصی و پذیرش مسئولیت‌های جانبی از عهده این تحقیق در زمان‌بندی معینی برنمی‌آید.

ج) توجه به کمیت تحقیق

گاهی موضوع انتخابی و دامنه آن، بسیار گسترده است و از نظر کمی، فراوانی مطالب را به همراه دارد. در چنین وضعیتی، محقق باید به تناسب موضوع به کمیت و حجم درخواستی توجه داشته باشد.

د) دستیابی به منابع کافی

یکی از عوامل مؤثر در تحقق پژوهش، تتبع و جست‌وجو در منابع تحقیق است. اهمیت این پایه به قدری است که بدون آن، امکان متمیم کار وجود ندارد. بدون در اختیار داشتن منابع کافی، نمی‌توان ابعاد موضوع را مورد بررسی قرارداد.

ه) صراحت و شفافیت موضوع تحقیق

موضوعی که انتخاب می‌شود، باید صریح و شفاف بوده و چارچوب و حدود و اجزای آن معین باشد و این در صورتی محقق می‌شود که بتوانیم تعریفی جامع و مانع از موضوع ارائه دهیم.

۳. تعریف موضوع

پس از انتخاب موضوع، نوبت به ارائه تعریفی منطقی و شفاف می‌رسد. برای تبیین مفهومی موضوع، باید موارد زیر در نظر گرفته شوند:

الف) تعریف باید شفاف و روشن باشد. بنابراین، در تعریف موضوع نباید از الفاظ مبهم و چند پهلو استفاده کرد؛

ب) تعریف باید جامع باشد و به عبارتی، گستره موضوع را از هر زاویه‌ای پوشش دهد؛

ج) تعریف باید مانع باشد، بدین معنا که ابعاد پیش‌بینی نشده در موضوع را شامل نشود.

۴. انتخاب عنوان

عنوان باید به خوبی بیانگر موضوع تحقیق باشد. بنابراین، از آوردن الفاظ صرفاً ادیبانه و شاعرانه بدون اشعار به مباحث تحقیق، باید به شدت پرهیز کرد. عنوان نباید مبهم و چندپهلو باشد. افزون بر این، برای انتخاب عنوان نباید از کلمات زاید و هم‌معنا استفاده کرد.

۵. منبع‌شناسی

منظور، آشنایی اجمالی با آخرین و معتبرترین آثاری است که در زمینه موضوع تحقیق نوشته شده است. بدین ترتیب،

می‌توان به دائرةالمعارف‌ها، فهرست برگه‌های موضوعی کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، کتاب‌شناسی اختصاصی، مراکز

اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، مجله‌های تخصصی، تازه‌های نشر، مقاله‌ها، چکیده پایان‌نامه‌ها، مراکز پژوهشی، کتاب‌نامه‌های کتاب‌ها یا مقاله‌های تخصصی و کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌ها مراجعه کرد. همچنین می‌توان از اهل فن و متخصصان امر نیز کمک گرفت.

بهتر است در استفاده از منابع - که برخی از ویژگی‌های آن در ادامه آمده - به نکته‌های زیر توجه کنید:

الف) تناسب مطالب منبع با موضوعها تحقیق؛

ب) دست اول بودن منبع؛

ج) چاپ جدید با اضافات و تجدیدنظر؛

د) تازگی مطالب؛

- ه) وجود معیارهای علمی، همچون آمار و ارقام و جداول و نمودارها؛
 و) داشتن فهرست‌های موضوعی، اعلام و نمایه‌های دیگر؛
 ز) دقت نویسنده منبع در ارجاع و استنادها؛
 ح) برخورداری از ادبیات روان؛
 ط) اعتبار و شهرت و مقبولیت نویسنده در مجامع علمی و عمومی؛
 ی) مرتبط بودن بیشترین بخش منبع با موضوع تحقیق؛
 ک) آثار اولویت‌دار و مشحون از نقد و بررسی دیدگاه‌های گوناگون.

ویژگی‌های یک منبع معتبر عبارتند از:

اصالت منبع (مؤلف شناخته شده، صحت انتساب به نویسنده و مصون از جعل و تحریف)؛ شهرت علمی مؤلف؛ قدمت (دست اول بودن یا نزدیک به صاحب اصلی)؛ جامعیت (حاوی دیدگاه‌های گوناگون اعم از موافق و مخالف)؛ وثاقت (صداقت و امانت‌داری محقق در نقل دیدگاه)؛ اتقان محتوا (قوت تحلیل و استدلال و برخوردار از مستندات و ارجاعات معتبر)؛ نوآوری (داشتن دیدگاهی نو و دانشی جدید).

البته این بدان معنا نیست که هر منبعی تمام شرایط بالا را داشته باشد چه اینکه بعضی از علوم از سابقه و قدمت آنچنانی برخوردار نیستند بنابراین منظور از سابقه به زمان رویش هر علمی باز می‌گردد.

۶. پیشینه‌شناسی

فلسفه مطالعه پیشینه موضوع، جلوگیری از تکرار و دوباره کاری است. عموماً در هر تحقیقی نیاز به بررسی در پیشینه کار می‌باشد، اگر در این مرحله مشخص شود که در زمینه موضوع، جنبه‌های پژوهش نشده و مسائل پاسخ نیافته‌ای وجود دارد و یا آن ابعاد و پاسخ‌ها به درستی تنقیح نشده، موضوع تحقیق به طور قطعی انتخاب می‌شود. با این کار، حاصل تحقیقات گذشتگان مورد استفاده قرار می‌گیرد و زوایای مبهم و سؤال‌های پاسخ داده نشده در مورد موضوع روشن می‌شود. در پیشینه تحقیق، باید به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

الف) آخرین تحقیقاتی که بر روی موضوع صورت گرفته، چیست؟

ب) چه بخشی از این تحقیقات، با ریزموضوع تحقیق ما ارتباط دارد یا ندارد؟

ج) چه بخش‌هایی از این منابع، در عین هم‌سویی با ریزموضوع‌ها از اتقان و تنقیح کافی، برخوردار نیست؟

از رهگذر این سؤال‌ها، هم به ریزموضوع‌های ناکاویده و هم به ریزموضوع‌های منقح نشده می‌رسیم که در آن صورت، این موارد، قابل بررسی خواهد بود. البته در نقل اقوال و دیدگاه‌های پیشینیان، باید رعایت امانت‌داری صورت گیرد و مطالبشان تقطیع نشود و به ویژه آنجا که به مقصود مؤلف لطمه وارد می‌سازد، ذکر اقوال و نظریه و ترتیب تاریخی آن مراعات شود. در بیان اقوال علما، از منابع دسته اول و نزدیک به صاحبان آنها استفاده و در نقل نظرها، جانب اعتدال و عفت کلام را رعایت کنید.

۷. مطالعه ریزموضوع

بررسی اجزا و جزئیات موضوع، دارای فواید زیر است:

الف) ابعاد و محدوده تحقیق را مشخص می‌سازد؛

ب) محقق را از حاشیه‌روی و انحراف از مسیر تحقیق باز می‌دارد؛

ج) سبب رعایت زمانبندی می‌شود؛

د) در ارزیابی پیشرفت تحقیق، به عنوان معیار عمل می‌کند.

برای تعیین ریزموضوع‌ها، باید با در نظر گرفتن ابعاد ناپژوهیده یا تنقیح نیافته، به مطالعه شمار قابل توجهی از منابع پرداخت و مطالب مربوط به آنها را یادداشت برداری کرد. عناوین این یادداشت‌ها، می‌تواند، ریزموضوع‌های تحقیق را تشکیل دهد. اگر موضوع تحقیق، شیء باشد، ریز موضوع‌های آن اجزای آن است و چنانچه مفهومی کلی باشد، مصادیق و افراد آن و اگر واقعه باشد، عوامل پدید آورنده، مراحل وقوع و آثار آن و چنانچه نظریه باشد، مبانی و اصول، ادله و مؤیدها، شبهات و ایراداتی است که درباره آن مطرح شده است. ریز

موضوع‌ها بسته به نوع تحقیق، متفاوت‌اند. برای نمونه، ریزموضوع‌های تحقیق، در پژوهش‌های متن‌محور، عبارت‌اند از: مقابله تصحیح؛ استخراج مآخذ؛ استدراک مآخذ؛ استدراک مطالب؛ شرح اعلام؛ توضیح الفاظ غریب؛ شرح عبارات مجمل و مغلق؛ ترجمه؛ گردآوری؛ نمایه‌سازی؛ شرح حال مؤلف؛ شرح نسخه‌ها و اعتبار و اهمیت و آدرس آنها؛ نقد و... ریزموضوع‌های تحقیق مسأله‌محور نیز شامل: بیان مسأله؛ ذکر اهمیت مسأله؛ طرح دیدگاه‌ها؛ بیان ادله دیدگاه‌ها؛ نقد دیدگاه‌ها؛ دیدگاه برگزیده؛ ادله دیدگاه برگزیده؛ شبهات دیدگاه برگزیده؛ پاسخ شبهات.

۸. تحدید ریزموضوع‌ها

چه بسا، ممکن است بر اثر تتبع و تدبر روی موضوع، ریزموضوع‌های فراوانی شناسایی شوند که پرداختن به تمام آنها، مطلوب و مقرون به صرفه نیست. از این رو، باید اولویت‌ها را مشخص و بقیه را از چرخه کار خارج کرد؛ زیرا:

الف) برخی از ریزموضوع‌ها، پیش از این بررسی شده و نو و ناپژوهیده نیستند؛
ب) بعضی، نتایج علمی و یا کاربردی چندانی ندارند؛

ج) بررسی برخی از ریزموضوع‌ها، در توان علمی محقق نیست؛

د) با توجه به فرصت و زمان بندی کار، امکان و مجال پرداختن به تمام ریزموضوع‌ها وجود ندارد؛

ن) شماری از ریزموضوع‌ها، چندان مورد علاقه محقق نیست؛

و) برای برخی از ریزموضوع‌ها، منابع کافی وجود ندارد یا در دسترس نیست؛

ه) برخی از ریزموضوع‌ها، خود دامنه بسیار گسترده‌ای دارند.

۹. تنظیم ریزموضوع‌ها

پس از اولویت‌بندی ریزموضوع‌ها باید:

الف) ربط میان ریزموضوع‌ها و سیر تقدم و تأخر آنها با نظام‌بخشی، آشکار شود؛

ب) نواقص کار و اینکه در میان ریزموضوع‌ها، چه چیزهایی است که هنوز نیامده و باید تکمیل شود، مشخص شوند؛

ج) تمام ریزموضوع‌های مترادف را می‌توان یکسان ساخت؛

د) با تنظیم ریزموضوع‌ها، باید شاکله تحقیق و به عبارتی، بخش‌ها و فصول را مشخص کرد.

برای تنظیم ریزموضوع‌ها باید دو کار مهم انجام داد:

یک- دسته‌بندی: در این مرحله، تمام ریزموضوع‌های با یک عنوان عام، در یک دسته قرار می‌گیرند. سپس، هر چند دسته از آنها هم، تحت عنوان یک دسته عام‌تری قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، طرح فصل‌ها و ریزفصل‌ها ریخته می‌شوند.

دو- مرتب‌سازی: در این مرحله، مشخص می‌کنیم که کدام ریزموضوع یا کدام دسته از ریزموضوع‌ها، به لحاظ تاریخی یا منطقی بر دیگری تقدم دارند. آنگاه با رعایت این تقدم و تأخر، به مرتب‌سازی می‌پردازیم. در این حال، هر چند که در کلیت طرح تحقیق، تغییری ایجاد نمی‌شود، اما در برخی از اجزای طرح و بعضی از ریزموضوع‌ها، تغییراتی رخ می‌دهد.

۱۰. تعریف اصطلاحها

چنانچه در طرح، واژگان و مصطلح‌هایی به کار رفته باشد که معانی گوناگونی داشته باشند یا محقق از آنها، معانی ویژه‌ای را قصد کرده باشد، تعریف آنها ضروری است. هدف از این تعریف‌ها هم، روشن ساختن مقصود محقق در طرح تحقیق است. محقق باید از جعل اصطلاح بپرهیزد و مصطلح‌ها را در همان معانی معهود و آشنا به کار ببرد؛ مگر اینکه مفهومی را که محقق اراده کرده، با معانی معهود و آشنا مطابقت نداشته باشد که در این صورت، تصریح و توضیح آن ضروری است.

۱۱. تعیین روش تحقیق

اجرای تحقیق، در دو مرحله «تتبع» و «تدبّر» انجام می‌گیرد و برای هر مرحله هم باید روش خاص آن را پیش‌بینی کرد. در مرحله تتبع باید مشخص شود که آیا تحقیق، به روش اسنادی «کتابخانه‌ای» انجام می‌گیرد یا «میدانی» و یا هر دو. سپس، در مورد جزئیات هر یک نیز باید توضیح داد. در صورت کتابخانه‌ای بودن روش تحقیق، باید روشن شود که اطلاعات لازم چگونه گردآوری می‌شود در یک مرحله یا فصل به فصل؟ با چه شیوه‌ای یادداشت‌برداری می‌شود؟ چه فیش‌هایی و با چه ویژگی‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند؟ کتابخانه‌های مورد مراجعه کدامند؟ و... در مرحله تدبّر نیز باید در مورد روش به طور کامل توضیح داده شود و دستاوردهای تحقیق، از یک روش منطقی پیروی کند.

۱۲. زمان‌بندی

در زمان‌بندی تحقیق، باید دقیقاً مشخص شود که هر مرحله از تحقیق (اعم از اجرا یا نگارش) و نیز کل تحقیق، طی چه مدتی به انجام می‌رسد. زمان‌بندی تحقیق اهمیت بسیاری دارد و فواید آن عبارت‌اند از:
الف) از نظر روانی سبب می‌شود محقق، مراحل تحقیق را در مدت معین شده، انجام دهد؛
ب) با زمان‌بندی تحقیق، میزان پیشرفت کار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مطابق زمان پیش‌بینی شده، درمی‌یابیم که به چه میزان کار تحقیق پیش رفته و با چه شتابی می‌توان آن را به موقع پایان داد. همچنین، می‌توان پیش‌بینی کرد که برای مرحله گردآوری، تدبّر و اندیشه‌ورزی و نگارش هر یک از فصول، باید چه زمانی را در نظر گرفت.

۱۳. پر کردن فرم طرح تحقیق

اطلاعات به دست آمده بهتر است، ابتدا در فرم پیش‌نویس نوشته شود و به رؤیت استادان راهنما و مشاور برسد و با انجام اصلاح‌ها و تأیید نهایی اساتید، به فرم اصلی منتقل شود. به طور معمول، در مراکز حوزوی و دانشگاهی بدین منظور فرمی لحاظ شده است.

۱۴. تأیید استادان راهنما و مشاور

پس از تکمیل فرم اصلی، باید این فرم به تأیید و امضای استاد راهنما و مشاور برسد.

۱۵. تصویب کمیته تحصیلات تکمیلی

در آیین‌نامه‌های دوره تحصیلات تکمیلی، این طرح باید به تأیید و امضای کمیته تحصیلات تکمیلی برسد. به طور معمول، این کمیته در سطح گروه آموزشی یا در سطح دانشکده و حتی در سطح دانشگاه، شورایی به نام شورای تحصیلات تکمیلی پیش‌بینی شده است.

دوم) مراحل اختصاصی تحقیق

تحقیق به اعتباری، یا متن‌پژوهی است و یا مسأله‌پژوهی که هر کدام از آنها هم مراحل خاص خود را دارد.

الف) مراحل متن‌پژوهی

۱. انتخاب متن؛ ۲. معرفی متن؛ ۳. تعیین ریزموضوعها؛ ۴. تحدید ریزموضوعها؛ ۵. گردآوری متن (در صورتی که متن پراکنده باشد)؛ ۶. تنظیم متن (در صورت تنظیم نبودن)؛ ۷. اندیشه‌ورزی بر متن؛ ۸. نگارش.
- (ب) مراحل مسأله‌پژوهی
۱. انتخاب مسأله؛ ۲. بیان مسأله؛ ۳. تعیین ریز مسائل؛ ۴. تحدید ریز مسائل؛ ۵. بیان نظریه؛ ۶. بیان فرضیه؛ ۷. گردآوری مطالب؛ ۸. تحلیل و استنتاج؛ ۹. نگارش.

پایان